

تحلیل تماتیک الزامات و راهبرد های سیاست خارجی ایران در گام دوم انقلاب اسلامی

علی آزرمی^۱

چکیده

هدف: مقاله حاضر با طرح این پرسش که مضامین راهبردی و الزامات سیاست خارجی در گام دوم انقلاب اسلامی ایران چگونه می‌باشد؟ تلاش می‌کند با استفاده از روش تحلیل مضمون که یکی از مهم‌ترین روش‌ها در تحقیقات کیفی است به این مهم دست یابد. به این منظور با مبنا قرار دادن و بررسی سخنان آیت‌الله خامنه‌ای و همچنین متن بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، سعی می‌شود مضامین مرتبط تحلیل و بررسی شود. **روش‌شناسی پژوهش:** در همین راستا تلاش می‌شود با روش تحلیل مضمون و رویکرد شبکه مضامین، که روشی برای دیدن متن و مشاهده نظام‌مند داده‌های متنی است به سؤال اصلی مقاله پاسخ داده شود. **یافته‌ها:** یافته‌های مقاله نشان می‌دهد سیاست خارجی تمدن‌ساز مضمون فراگیری است که سه مضمون سازمان دهنده، دیپلماسی هنجارمند، بازیگر استراتژیک و قدرت هوشمند از آن منتج می‌شود که همه مضامین فوق بر اساس مضامین پایه‌ای با یکدیگر مرتبط بوده و الگویی نظام‌مند در حوزه عمل و کنش سیاست خارجی را شکل می‌دهند.

نتیجه‌گیری: نتایج پژوهش از آن جهت که بر اساس اندیشه سیاسی مقام معظم رهبری است، می‌تواند الگویی منسجم و نقشه راهی برای سیاست‌گذاری خارجی جمهوری اسلامی ایران و تصمیم‌گیران و تصمیم‌سازان این حوزه فراهم نماید و با رویکردی آینده پژوهانه در برنامه هفتم توسعه نیز لحاظ شود، همچنین توجه به اندیشه سیاسی رهبران انقلاب اسلامی در مطالعات سیاسی می‌تواند زمینه‌ای برای طراحی، الگوسازی و در نهایت بومی‌سازی علم ایفا نماید.

کلیدواژه‌ها: تحلیل مضمون، سیاست خارجی، گام دوم انقلاب اسلامی، مقام معظم رهبری، راهبرد.

مقدمه

سیاست خارجی یکی از مهم‌ترین و چالش برانگیزترین حوزه‌های سیاست‌گذارانه در فرایند حکمرانی در نظام‌های سیاسی تلقی می‌گردد. اهمیت و دلایل آن را شاید بتوان به نقش راهبردی سیاست خارجی در تأمین منافع ملی و تمامیت ارضی دانست. در فرهنگ روابط بین‌الملل عنوان شده است که سیاست خارجی عبارت است از یک استراتژی با یک رشته از اعمال از قبل طرح‌ریزی شده توسط تصمیم گیرندگان حکومتی که مقصود آن دستیابی به اهداف معین در چارچوب منافع ملی و در محیط بین‌المللی است (خوشوقت، ۲۰۱۰: ۱۴۵). بر این اساس سیاست خارجی روند پویایی است که به‌وسیله آن تفسیرهای نسبتاً ثابت از منافع ملی با عوامل و شرایط بسیار متغیر بین‌المللی منطبق می‌شود (پلانو^۱، ۱۹۹۸: ۶) بنابر این سیاست خارجی به‌عنوان یک عرصه کنش جمعی، اتخاذ تدابیر راهبردی مناسب و منطبق با منافع ملی و فراملی کشورها می‌باشد و نقش مهمی در سرنوشت کشورها بازی می‌کند به همین خاطر شناخت سیاست خارجی دولت‌ها و تبیین زوایای گوناگون آن از جمله دل مشغولی‌های اندیشمندان حوزه روابط بین‌الملل و سیاست بین‌الملل به‌شمار می‌رود در واقع هم راستا با فرایندهای سیاست‌گذارانه در امر سیاست خارجی نظام‌های سیاسی تلاش برای شناخت و فهم دقیق و صحیح رفتار خارجی دولت‌ها و ارائه پیشنهادها مبتکرانه و علمی نیز از دلمشغولی‌های فکری اهل علم و دانشگاهی نیز بوده است. سیاست خارجی فرایندی پیچیده و چندلایه است که هم شامل اهدافی می‌شود که دولت‌ها در روابط با دیگر دولت‌ها دنبال می‌کنند و هم شامل وسایل رسیدن به آنها اندیشمند دیگری سیاست خارجی را کنش‌هایی تلقی می‌کند که به شکل اهداف، تعهدات و یا دستورالعمل‌هایی صراحتاً تعریف می‌شوند و نمایندگان حکومتی به نام و از سوی اجتماعات حاکمیت‌مند خود آنها را دنبال می‌کنند (کارلسناس^۲، ۲۰۰۲: ۳۳۵). اما اگر با والرئ هادسون موافق باشیم که میان سیاست خارجی و رفتار سیاست خارجی تمایز قائل می‌شود و سیاست خارجی را راهبرد یا رویکرد حکومت ملی برای نیل به اهدافش در روابط با واحدهای بیرونی می‌داند (هادسن^۳، ۲۰۱۲: ۵۹). مقاله پیش‌رو تلاش دارد با همین رویکرد الزامات راهبردی نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران برای رسیدن به اهداف مشخص شده در گام دوم انقلاب اسلامی را کنکاش کند. طراحی سیاست خارجی نظام انقلابی به‌عنوان یک حوزه مهم در عمل دولت‌ها باید بر اساس الگوی مشخص که تأمین‌کننده نیازها باشد اتخاذ گردد. توجه به اندیشه سیاسی رهبران انقلاب اسلامی و متفکرین می‌تواند زمینه‌ای برای طراحی، الگوسازی و تبیین الگوهای حوزه سیاست خارجی بوده و نقشی مهم در بومی‌سازی علم در این زمینه ایفا کند. برای نیل به این مقصود مقاله حاضر سعی می‌کند تا با تحلیل مضمونی سخنان رهبری معظم انقلاب ضمن شناخت مفاهیم اصلی و پایه‌ای اندیشه سیاسی ایشان در سیاست خارجی، راهبردهای سیاست‌گذارانه در این حوزه را منطبق با دیدگاه‌های معظم له مورد

-
1. Plano
 2. Carlsnaes
 3. Hudson

واکاوی قرار دهد. بر این اساس سؤال اصلی مقاله به این ترتیب است که مضامین راهبردی و الزامات سیاست خارجی در گام دوم انقلاب اسلامی ایران چگونه می‌باشد؟ برای پاسخ به این پرسش ضمن بررسی سخنان و بیانات آیت‌الله خامنه‌ای همچنین متن بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی و با کاربست روش تحلیل مضمون و طی مراحل روشی این نوع تحلیل تلاش می‌کنیم تا به این هدف و پاسخ به سؤال اصلی دست یابیم.

پیشینه پژوهش

ستوده، محمد (۲۰۱۹)، در مقاله‌ای با عنوان الزامات سیاست خارجی ایران در بیانیه‌ی گام دوم در پی آن است که با رویکردی آینده‌پژوهانه، مهم‌ترین الزامات سیاست خارجی در گام دوم انقلاب را تبیین کند. در این راستا، الزامات سیاست خارجی ایران با توجه به روندها، پیش‌ران‌ها، موانع و رویدادهای مؤثر بر روند مورد بررسی قرار گرفته است. در تبیین روندها، به الزامات سیاست خارجی جهت مطالعه‌ی واقع‌بینانه و همه‌جانبه‌ی روند گذشته و شناخت نقاط قوت و ضعف آن به‌منظور تقویت موارد قوت و مثبت و رفع نارسایی‌ها پرداخته شده است. در الزامات سیاست خارجی ایران مربوط به ترسیم آینده‌ی مرجع، یعنی دستیابی به تمدن نوین اسلامی، ارتقای جایگاه ایران به سطح کشورهای پیشرفته و ایجاد بلوک قدرت‌مند جهان اسلام و راهبردهای نیل به آن از جمله تدوین نظریه‌ی سیاست خارجی دولت انقلابی را ملاک بررسی قرار داده‌اند.

گوهری‌مقدم و بیگی (۲۰۱۷)، در مقاله‌ای با عنوان تجزیه و تحلیل اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در بیانیه گام دوم انقلاب به این مسئله می‌پردازد که تحقق اهداف انقلاب اسلامی در عرصه سیاست خارجی، نیازمند شناخت اصول دستگاه سیاست خارجی در گام دوم انقلاب از منظر مقام معظم رهبری و تجزیه و تحلیل آن است. این مقاله به دنبال پاسخ به این پرسش اصلی است که «اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در بیانیه گام دوم کدام‌اند؟» هدف اصلی پژوهش حاضر کمک به دستگاه سیاست خارجی جهت تبیین رویکرد آتی خود در گام دوم انقلاب است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که دشمنان اصلی جمهوری اسلامی ایران همچون آمریکا، رژیم صهیونیستی و انگلستان از حضور فعال ایران در منطقه بیم داشته و در گام دوم انقلاب سعی در مانع‌تراشی در این زمینه خواهند کرد؛ بنابراین دستگاه سیاست خارجی ایران بدون اعتماد به آمریکا و دلخوشی به مذاکره با آن، بایستی بیش از پیش زمینه را برای حضور فعال منطقه‌ای ایران فراهم سازد تا بتواند جهت ایجاد تمدن نوین اسلامی زمینه‌سازی کند.

قادری کنگاوری (۲۰۱۹)، در مقاله‌ای با عنوان، مقاومت و دیپلماسی نهضتی در گام دوم انقلاب: راهبرد و رهنگاشت، هدف اصلی از ارائه مقاله را، تدوین رهنگاشت دیپلماسی نهضتی از گفت‌وگو سازی و شبکه‌سازی و جریان‌سازی تا جنبش‌سازی و نظام‌سازی و تمدن‌سازی ذکر نموده و عنوان می‌کند که مقاله تلاش دارد یک مدل مفهومی جامع و همه‌جانبه‌نگر جهت کاربست رهنگاشت دیپلماسی نهضتی در عرصه

سیاست خارجی و روابط بین‌الملل ترسیم و تبیین نماید. بر همین اساس یکی از پیشران‌های اصلی تحقق گام دوم انقلاب در عرصه سیاست خارجی، توجه به دیپلماسی نهضتی است. بر این اساس با توجه به واقعیات موجود و تاریخ منطقه، یکی از پیامدهای مهم پیروزی انقلاب اسلامی ایران مقابله با ترتیبات امنیتی و نظم سیاسی مطلوب امریکا در منطقه و تقابل با رژیم صهیونیستی و در نتیجه شکل‌گیری محور مقاومت با هدف ایجاد نظم نوین انقلابی در منطقه و جهان بوده است. از این‌رو محور مقاومت نه یک محور منطقه‌ای، که یک محور و مدار جهانی با حفظ وحدت و انسجام مستضعفان و مظلومان عالم است. لذا آرمان‌های انقلاب اسلامی قلب و ذهن هر انسان آزاده‌ای را به خود جذب کرده است؛ آرمان‌هایی که در هر دو بُعد ایجابی (آزادی‌خواهی، عدالت‌طلبی، استقلال‌گرایی) و سلبی (امریکاستیزی، صهیونیسم ستیزی، وهابیت ستیزی در چهارچوب استکبارستیزی و ضدیت با نظام سلطه)، موتور محرک تمدن نوین اسلامی است.

مطلبی (۲۰۲۰)، در مقاله‌ای با عنوان دیپلماسی دفاعی ایران در گام دوم انقلاب اسلامی؛ اهداف، راهبرد و الزامات تلاش دارد، با هدف تبیین نقش دیپلماسی دفاعی جمهوری اسلامی ایران در گام دوم انقلاب اسلامی به این سؤال اصلی پاسخ دهد که دیپلماسی دفاعی جمهوری اسلامی ایران در گام دوم انقلاب اسلامی و در راستای ارتقای امنیتی و عمق‌بخشی به این انقلاب باید دارای چه اهداف، راهبرد و الزاماتی باشد. نتایج و یافته‌های تحقیق حاضر نشان می‌دهد که دیپلماسی دفاعی جمهوری اسلامی ایران به‌واسطه اهداف و راهبردهای همچون مدیریت حوزه‌های امنیتی، فراهم‌کردن زمینه تأمین فناوری تجهیزات یا تسلیحات دفاعی، نقش‌آفرینی در بازدارندگی، خلع سلاح و کنترل تسلیحاتی، کسب منافع اقتصادی، اعتمادسازی در حوزه‌های نظامی، مبارزه با تروریسم، گسترش همکاری‌های دفاعی - نظامی با کشورها، توسعه تعاملات با نهادهای منطقه‌ای و بین‌المللی گامی مؤثر در تولید و زایش بیش از پیش قدرت ملی، نیل به ثبات و امنیت پایدار در فرایند گام دوم انقلاب اسلامی در مسیر تمدن‌سازی نوین به شمار می‌آید.

واعظی دهنوی (۲۰۱۵) در مقاله‌ای با عنوان مبانی سیاست خارجی در اندیشه مقام معظم رهبری، این گونه نوشته‌اند که براساس قوانین مندرج در قانون اساسی جمهوری اسلامی، مقام معظم رهبری بالاترین مقام را برای تصمیم‌گیری‌های کلان در سیاست خارجی نظام دارد. مطالعه بیانیه‌ها و سخنرانی‌های رهبر معظم نشان می‌دهد دیدگاه‌های وی بر مبنای اصول فقهی و دینی است؛ همان اصولی که منشأ پیدایش انقلاب بود و هم‌چنان بر مبنای آن مواضع و دیدگاه‌ها اخذ می‌شود و طی دوران پس از انقلاب تاکنون هیچ تغییری در این مواضع ایجاد نشده است و مؤیدی بر فرضیه مقاله است که انقلاب اسلامی ایران هم‌چنان بر اصولی پای می‌فشارد که موجب و علت بروز و ظهور آن بوده است.

مقاله پیش‌رو از آن جهت که بر استخراج الگوی راهبردی و سیاست‌گذارانه از اندیشه سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای مبتنی بر تحلیل مضمون و شبکه مضامین تأکید دارد از متون قبلی متمایز بوده و ضمن تفاوت روشی در مطالعه سیاست خارجی ایران و اندیشه سیاسی رهبران انقلاب اسلامی، برخلاف پژوهش‌های

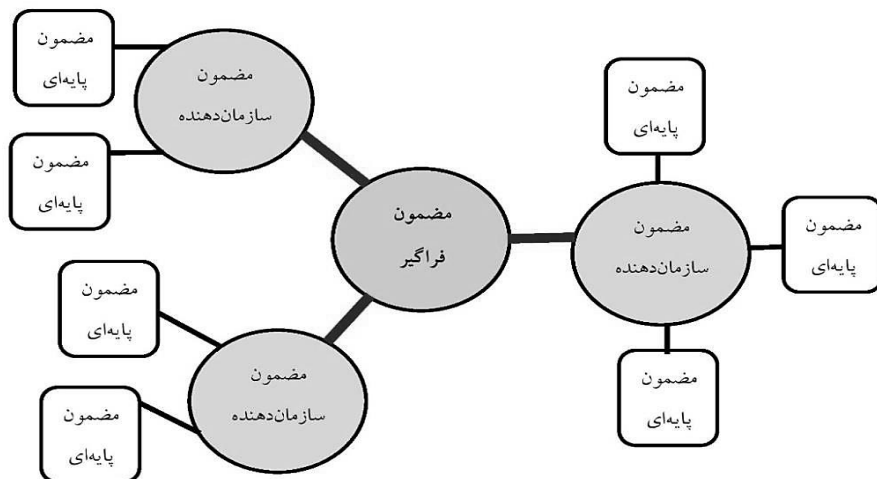
قبلی رویکردی صرفاً توصیفی نداشته و الگویی نظری و استراتژیک ناظر به حوزه عمل که می‌تواند، مورد توجه دستگاه‌های اجرایی متولی سیاست خارجی ایران قرار گیرد را ارائه می‌کند، ضمناً این نوع تحلیل‌ها و رویکردها مبتنی بر فهم اندیشه سیاسی رهبران انقلاب اسلامی می‌تواند نقش مهمی در تولید علم و بومی سازی سیاست در ایران ایفا نماید. البته بدون تردید مقاله حاضر به تنهایی نمی‌تواند این مهم را محقق کند و حوزه مطالعاتی مورد بحث نیاز به پژوهش‌ها و تأملات فراوانی دارد.

روش پژوهش

اخیراً تحقیقات کیفی رشد چشمگیری در علوم اجتماعی داشته است. تحقیق کیفی به معنای راهی برای کسب آگاهی از طریق کشف معانی پدیده‌ها که با بهره‌گیری از رویکردهای کل نگر، فهم عمیق از پدیده‌ها را به همراه دارد (براون و کلارک^۱، ۲۰۰۶: ۱۷۳). این نوع تحقیقات شبیه کامل کردن یک تصویر از طریق کنار هم قرار دادن قطعات جدا شده آن است. اما برای فهم و ارائه نتایج در پژوهش‌های کیفی لازم است داده‌ها به‌طور روشمند تحلیل شود یا قطعات تصویر به نوعی روشمند و بر اساس اصول و مبانی دقیقی در کنار هم قرار گیرند (اسمیت^۲، ۲۰۱۱: ۵۱). یکی از روش‌های کارآمد و ساده در این رابطه تحلیل مضمون است. این روش مهارت‌های اساسی و مورد نیاز برای بسیاری از تحلیل‌های کیفی را فراهم می‌کند. روش تحلیل مضمون فرایندی است که به پژوهشگر کمک می‌کند تا داده‌های متنی را تحلیل نموده و از متن‌های متنوع داده‌های غنی در اختیار مخاطب بگذارد، در واقع یکی از کارآمدترین روش‌ها در متن پژوهی و سیاست پژوهی تحلیل مضمون است به همین دلیل بویاتزیس روش تحلیل مضمون را روشی می‌داند برای دیدن متن و مشاهده نظاممند داده‌های متنی، که بر اساس آن داده‌های متنی مقوله‌بندی می‌شود و سپس به‌گونه‌ای بازسازی می‌شود که مفاهیم مهم موجود درون مجموعه‌ای از داده‌ها استخراج شود (بویاتزیس^۳، ۱۹۹۸: ۱۰۹). نکته‌ای که در تحلیل مضمون اهمیت فراوانی دارد این است که این متد به چهارچوب نظری وابسته نیست و از آن می‌توان همچون روش داده بنیاد، نظریه و الگوی تئوریک استخراج نمود (کسل و بیشاپ^۴، ۲۰۱۹: ۷۴). لذا گفته می‌شود که تحلیل مضمون روشی است که هم برای بیان واقعیت و هم تبیین آن کارآمدی دارد؛ این روش که از متدهای پایه‌ای در تحلیل داده‌ها به‌شمار می‌رود محدودیت‌های مفروضات روش‌هایی مانند تحلیل گفتمان انتقادی را ندارد (آتراید و استرلینگ، ۲۰۰۱: ۲۰۶). به همین دلیل براون و کلارک انعطاف‌پذیری را یکی از مزایای این روش می‌دانند (براون و کلارک، ۲۰۰۶: ۶۵). از نقاط قوت مهم این رویکرد این است که به پژوهشگر امکان می‌دهد تا هم به مضامین نوظهور (تحلیل مضمون) و هم به هر یک از موردها (تحلیل موردی) توجه کند که منجر به شناسایی الگوهای معانی در داده‌ها می‌شود. روش تحلیل مضمون به انواع مختلفی قابلیت

1. Braun & Clarke
2. smith
3. Boyatzis
4. Cassell & Bishop

اجرا دارد که در حال حاضر سه روش قالب مضامین، ماتریس مضامین و شبکه مضامین از پرکاربردترین این روش‌ها می‌باشد. در رویکرد شبکه مضامین، مضمون‌ها بر اساس جایگاه خود در شبکه مضامین، به مضامین پایه، سازمان‌دهنده و فراگیر دسته‌بندی می‌شوند. به عبارت دیگر، شبکه مضامین، مضامین را بر اساس فرآیندی مشخص در قالب مضامین پایه (کدها و نکات کلیدی متن)، مضامین سازمان‌دهنده (مضامین حاصل از ترکیب و تلخیص مضامین پایه) و مضامین فراگیر (مضامین عالی در برگیرنده اصول حاکم بر متن به عنوان یک کل) نظام‌مند می‌کند (آتراید و استرلینگ، ۲۰۰۶: ۳۸۵). به طور خلاصه می‌توان این گونه عنوان نمود که اگر روش تحلیل مضمون به دنبال استخراج مضامین برجسته یک متن در سطوح مختلف است، شبکه مضمون‌ها نیز به دنبال تصحیح ساختاردهی و ترسیم مضمون‌ها می‌باشد. با توجه به نوع سؤال مقاله و هدفی که در متن حاضر دنبال می‌کنیم رویکرد شبکه مضامین مورد استفاده خواهد بود. براین اساس می‌توان نوشت که برای دستیابی به فهم الزامات راهبردی سیاست خارجی از روش تحلیل مضمون و شبکه مضمون‌ها استفاده می‌کنیم. مراحل اجرای روش تحلیل مضمون با رویکرد شبکه مضامین از دید آتراید و استرلینگ در نمودار زیر مشخص شده است. جامعه آماری این مقاله نیز شامل سخنرانی‌های مقام معظم رهبری در جمع سفرا و مسئولان وزارت خارجه و متن بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی می‌باشد، کدگذاری‌های اولیه به صورت دستی و با کمک نرم‌افزار maxqda انجام شده است.



نمودار ۱: ساختار شبکه مضامین (آتراید و استرلینگ، ۲۰۰۱: ۸۸)

مضامین مرتبط با راهبردهای سیاست خارجی در اندیشه سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای

در گام اول با بررسی متون مورد نظر (بیانات و سخنان رهبری و بیانیه گام دوم) تلاش می‌کنیم که مضامین پایه‌ای را استخراج نمائیم. این مرحله تکنیک تحلیل مضمون شامل دسته‌بندی کدهای مختلف در قالب کدهای گزینشی و مرتب کردن همه خلاصه داده‌های کدگذاری شده است. در واقع محقق، تحلیل کدهای خود را شروع کرده و در نظر می‌گیرد که چگونه کدهای مختلف می‌توانند برای ایجاد یک تم کلی ترکیب شوند. در این مرحله محققان کدهای ناقص یا نامرتب و همچنین کدهای تکراری را کنار گذاشته تا به این تعداد کد گزینشی دست یابند.

جدول ۱: مضامین پایه

ردیف	نقل قول	مضامین پایه‌ای
۱	این‌که ما تصور کنیم اگر ارزش‌های معنوی را ملاک قرار دادیم، کار دیپلماسی به بن‌بست خواهد خورد، غلط است؛ به بن‌بست نمی‌خورد. می‌توان با حفظ همین ارزش‌ها، با پافشاری بر همین ارزش‌ها، در عرصه‌ی دیپلماسی وارد شد، فعال شد، تلاش کرد.	با تأکید بر ارزش‌ها می‌توان موانع را برطرف کرد
۲	هرچه بر پابندی به اصول اسلامی و روش‌های آن بیشتر تأکید بورزید، موفق‌تر خواهید بود. موفقیت امروز دیپلماسی ما که دنیا و حتی مخالفان ما، بدان اذعان دارند، در درجه‌ی اول مدیون تقید و پابندی شما دست‌اندرکاران است. این را حفظ کنید.	موفقیت دیپلماسی مرهون پابندی به ارزش‌ها است
۳	اگر کسی بدون ایمان و باور عمیق به اهداف، در عرصه‌ی دیپلماسی فعال باشد قطعاً نمی‌تواند موفق شود. عرصه‌ی دیپلماسی مانند میدان جنگ است. واقعیت این است که میدان دیپلماسی عرصه‌ی پنجه انداختن است و اگر کسی بدون اعتقاد راسخ به هدف، به این کار اقدام کند یا در همان موقعیت و یا در نهایت شکست خواهد خورد.	در جنگ دیپلماسی‌ها هر کسی که با ایمان‌تر باشد موفق‌تر است.
۴	حرکت ما در جبهه‌ی ظریفِ خطیرِ بسیار مؤثر دیپلماسی باید حرکتی باشد با این دید و با این نگاه و با توجه به این آرمان‌ها. این خطاست که ما خیال کنیم اگر به مبانی ارزشی خودمان پابند بمانیم، در عالم دیپلماسی عقب میمانیم؛ ابداً.	دیپلماسی با پابندی به ارزش‌ها می‌تواند منافع کشور را تأمین کند.
۵	در قانون اساسی، اسلام معیار سیاست خارجی است بنابراین موضع‌گیری در مقابل کشورها و مسائل مختلف، باید مختصات دینی داشته باشد.	سیاست خارجی باید مبتنی بر اسلام باشد.
۶	دستگاه دیپلماسی مهم است. عرصه‌ی دیپلماسی، عرصه‌ی مبارزه است؛ در این مبارزه باید قوی باشید. اگر می‌خواهید قوی باشید، ارتباط با خدا را مستحکم کنید؛ هم خودتان، هم خانواده‌تان.	دیپلمات باید ایمان قوی داشته باشد.
۷	شما در محیط خارج از کشور این تعهد را کرده‌اید و این وظیفه و مأموریت را به دوش گرفته‌اید که از نظام جمهوری اسلامی و پیشرفت و منافع و مصالح آن	تقوا لازمه دیپلمات خوب است.

ردیف	نقل قول	مضامین پایه‌ای
	با جدّ و جهد و با همه‌ی وجود دفاع کنید؛ این کار بسیار بزرگی است که از انسان‌های با ایمان قوی برمی‌آید. بنابراین قوت ایمانی و عمل ایمانی را که مترتب بر آن است، هر چه می‌توانید در خودتان تقویت کنید و همان‌طور که گفتیم به خودتان هم اکتفا نکنید؛ «قوا انفسکم و اهلیکم نارا و قودها التّاس و الحجارة»	
۸	ما همچنان که نظام سلطه را در درون کشورمان با انقلاب به‌هم زدیم، نظام ارباب-رعیتی سیاسی و اجتماعی را به‌هم زدیم، دید ما در مسائل جهانی هم همین است؛ ما با نظام ارباب-رعیتی در سطح جهان مخالفیم؛ ما با نظام سلطه مخالفیم. اساس سیاست خارجی ما این است که ما این ایده‌ی مخالفت با سلطه‌گری و سلطه‌پذیری را، به‌عنوان یک ستون مستحکم، در فضای سیاست بین‌المللی در سطح دولت‌ها و ملت‌ها استقرار دهیم.	مبارزه با سلطه و زورگویان مبنای سیاست خارجی است.
۹	گر کسی بدون ایمان و باور عمیق به اهداف، در عرصه‌ی دیپلماسی فعال باشد قطعاً نمی‌تواند موفق شود.	ایمان و تقوا باید سرلوحه دیپلمات باشد.
۱۰	در عرصه‌ی دیپلماسی باید با اعتماد به نفس ملی و بدون هیچ‌گونه رودربایستی در پافشاری بر اصول انقلابی و مبنای دینی عمل کرد.	در روابط خارجی باید به اصول دینی پایبند بود.
۱۱	مثل آن‌روزی که امریکا و شوروی ابرقدرت بودند- باز هم با نظام سلطه مخالفیم. ما آن‌روز هم مخالف بودیم، امروز هم مخالفیم؛ این سیاست جمهوری اسلامی است. ما روابط ناشی و برآمده‌ی از نظام سلطه در سیاست بین‌المللی را رد می‌کنیم؛ قبول نداریم.	مبارزه با سلطه و زورگویان مبنای سیاست خارجی است.
۱۲	علائم زیادی وجود دارد که نظم کنونی جهان دارد تغییر پیدا می‌کند و نظم جدیدی بر جهان حاکم خواهد شد... فکر مقاومت و جبهه‌ی مقاومت در مقابل زورگویی گسترش خواهد یافت، که مبتکرش جمهوری اسلامی است.	مقاومت‌گرایی و ایستادگی در برابر زورگویان ابتکار جمهوری اسلامی ایران است
۱۳	دفاع از مظلوم، همیشه یک نقطه درخشان است، کنار نیامدن با ظالم، رشوه نپذیرفتن از زورمند و زرمند، پافشاردن بر حقیقت، این‌ها چیزهایی است که هیچ وقت در دنیا کهنه نمی‌شود، اینها را باید دنبال کنیم، اصول اینهاست. مقبولیت جهانی بسیار خوب است، اما نه به بهای دست برداشتن از اصول جمهوری اسلامی که هویت ملی و جمعی ماست.	حمایت از مظلومین و مقاومت در برابر زورگویان در سیاست خارجی مهم است
۱۴	این انقلاب از آغاز تا امروز نه بی‌رحم و خون‌ریز بوده و نه منفعل و مردّد. با صراحت و شجاعت در برابر زورگویان و گردنکشان ایستاده و از مظلومان و مستضعفان دفاع کرده است.	مقابله ظالم و حمایت از مستضعفان مبنای سیاست خارجی است
۱۵	ملت ایران در فضای حیات‌بخش انقلاب توانست نخست دست‌نشانده‌ی امریکا و عنصر خائن به ملت را از کشور براند و پس از آن هم تا امروز از سلطه‌ی	مبارزه با نظام سلطه از انقلاب اسلامی تا همیشه

ردیف	نقل قول	مضامین پایه‌ای
	دوباره‌ی قلدران جهانی بر کشور با قدرت و شدت جلوگیری کند.	ادامه دارد
۱۶	معنای دیگر ویژگی [مهارت دیپلماتیک (استفاده به‌موقع و به‌جا از انعطاف و اقتدار)] نرمش قهرمانانه است که صلح امام حسن مجتبی علیه‌السلام پر شکوه‌ترین نمونه‌ی تاریخی آن به شمار می‌رود.	منعطف بودن در رفتار سیاست خارجی یک اصل است
۱۷	در این سال‌ها جبهه‌بندی‌های منطقه‌ای و جهانی هم آشکار شده. البته نرمش و انعطاف و مانور هنرمندانه و قهرمانانه در همه‌ی عرصه‌های سیاسی، یک کار مطلوب و مورد قبولی است، لکن این مانور هنرمندانه نیایستی به معنای عبور از خطوط قرمز، یا برگشتن از راهبردهای اساسی، یا عدم توجه به آرمان‌ها باشد؛ اینها را باید رعایت کرد. البته هر دولتی، هر شخصی، هر شخصیتی، روش‌هایی دارند، ابتکاراتی دارند، این ابتکارات را انجام خواهند داد و [کار] پیش خواهد رفت.	در سیاست خارجی باید ابتکار عمل داشت
۱۸	هر حرکتی در سیاست خارجی باید عقلانی و فکر شده باشد و تصمیمات و اقدامات دفاعی و بدون حساب در مقطعی به کشور ضربه زده است.	سیاست خارجی باید با برنامه‌ریزی و محاسبه‌گری همراه باشد.
۱۹	حکمت این است که شما بتوانید مواضع طرف مقابل را حکیمانه به مواضع خودتان نزدیک کنید؛ حکمت یعنی با منطق، متین در عرصه‌ی دیپلماسی وارد شدن. اگر چنانچه اینجوری پیش برویم، به توفیق الهی پیشرفت‌های ما هرگز متوقف نخواهد شد.	سیاست خارجی با منطق حرکت می‌کند.
۲۰	حکمت، یعنی حکیمانه و سنجیده کار کردن. هیچ‌گونه نسنجیدگی را نباید در اظهارات دیپلماتیک و هر آنچه که مربوط به سیاست خارجی و ارتباطات جهانی است، راه داد. همه چیز باید سنجیده باشد. آدم نباید هر چه به دهانش آمد، بگوید. باید ملاحظه کنیم که آیا این سخن با موازین منطق و خرد منطبق است، یا منطبق نیست. اگر منطبق نیست، آن را کنترل کنیم. باید حکیمانه برخورد کنیم. فقط در حرف زدن نیست؛ در معاشرت‌ها و برخوردها هم باید حکیمانه برخورد کرد. ضرر کار نسنجیده در این‌جا، عمیق‌تر و عمومی‌تر و چشمگیرتر و نقدتر است. کار نسنجیده نباید انجام بگیرد، حرف نسنجیده نباید زده بشود. جوانب هر کاری باید خوب سنجیده بشود و بعد انجام بگیرد. این، معنای حکمت است. همین طور که در اصول سیاست خارجی بارها گفته‌ایم، حکمت یکی از اصول سه‌گانه‌ی ماست، و در کنار آن، مصلحت، ما حکیمانه و مدبرانه عمل می‌کنیم.	سنجیده رفتار نمودن اصل مهم سیاست خارجی است
۲۱	مصلحت یعنی یافتن راهی برای گذشتن از کنار موانع دشوار و ادامه دادن راه برای رسیدن به هدف. مصلحت یعنی شناختن موارد انعطاف. یک جاهایی باید انعطاف داشت. انعطاف	انعطاف در رفتار سیاست خارجی الزامی است

ردیف	نقل قول	مضامین پایه‌ای
	منافات با اصول ندارد. حفظ اصول با امکان انعطاف با هم می‌سازند، می‌توان یک جاهایی انعطاف به خرج داد.	
۲۲	حکمت و عزت و مصلحت مکمل همدند؛ باید در جهت مصالح ملی باشند؛ و در درجه‌ی اول باید با حفظ عزت ملی و عزت هویتی همراه باشند.	مصالح ملی اولویت سیاست خارجی است
۲۳	جمهوری اسلامی، متجبر و در برابر پدیده‌ها و موقعیت‌های نو به نو، فاقد احساس و ادراک نیست، اما به اصول خود بشدت پایبند و به مرزبندی‌های خود با رقیبان و دشمنان بشدت حساس است. با خطوط اصلی خود هرگز بی‌مبالاتی نمی‌کند و برایش مهم است که چرا بماند و چگونه بماند.	رعایت اصول سیاست خارجی و عدم تغییر در اصول
۲۴	در سیاست خارجی وقتی می‌گوییم عزت، یعنی نفی دیپلماسی التماسی. ما در طول این سال‌ها داشتیم مواردی را که دیپلماسی ما، تعبیر درست در قبالتش همین تعبیر «التماسی» است، «دیپلماسی التماسی». ممکن است لحن مان هم التماس‌آمیز نبوده اما باطن قضیه التماس بوده. عزت یعنی نفی این جور دیپلماسی، نفی چشم دوختن به دست و زبان این و آن. این شخصیت پخته‌ی سیاسی قدیمی فلان کشور این جوری گفت، این جوری قضاوت کرد، آن یکی این جوری گفت، این جوری اقدام می‌کنند. عزت یعنی ما چشم‌مان و نگاهمان به این چیزها نباشد، تکیه‌مان به اصول خودمان باشد.	عزتمندی و رعایت اصول در سیاست خارجی
۲۵	دیپلماسی عمومی از ابتکارات جمهوری اسلامی ایران است و باید توجه بیشتری به آن شود.	توجه به دیپلماسی عمومی و ارتباط با افکار عمومی ملت‌ها در سیاست خارجی
۲۶	کشور بایستی قوی بشود؛ قوی شدن کشور جزو هدف‌های ما است. این هم از خطوط اصلی نسخه‌ی بعثت است؛ این هم از بعثت گرفته شده؛ این هم از قرآن گرفته شده. قرآن می‌فرماید که «وَ أَعِدُوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ»؛ هر چه می‌توانید قوت را زیاد کنید.	افزایش مؤلفه‌های قدرت و استفاده از ابزار سیاست خارجی در این زمینه مهم است
۲۷	اساساً حیات یک ملت و بالندگی یک ملت، وابسته به این است که مؤلفه‌های قدرت و عناصر قدرت را در خود تقویت کند و آنها را در جای لازم و به‌هنگام، مورد بهره‌برداری و استفاده قرار بدهد.	رعایت استفاده صحیح از انواع قدرت
۲۸	در پیشرفت به سمت هدف‌های آرمانی، باید ساخت درونی قدرت را استحکام بخشید؛ اساس کار این است. ما اگر می‌خواهیم این راه را ادامه دهیم و به این سمت حرکت کنیم و این هدف‌ها را دنبال کنیم و چشم به این آرمان‌ها بدوزیم و پیش برویم و در مقابل این معارضه‌ها ایستادگی کنیم و صبر و توکل را به کار بگیریم، باید ساخت قدرت ملی را در درون کشور تقویت کنیم و استحکام ببخشیم.	توجه به استحکام ساخت درونی قدرت

ردیف	نقل قول	مضامین پایه‌ای
۲۹	تلاش در این جنگ نرم، زمینه‌سازی برای تهی شدن نظام از عناصر قدرت است؛ می‌خواهند کاری کنند که نظام اسلامی از عناصری که در درون او است و مایه‌ی اقتدار او است، تهی بشود و خالی بشود. وقتی ضعیف شد، وقتی عناصر قدرت در او نبود، وقتی اقتدار نبود، دیگر از بین بردنش و کشاندنش به این سمت و به آن سمت، کار مشکلی برای ابرقدرت‌ها نخواهد بود؛ می‌خواهند او را وادار کنند به تبعیت.	مقابله جدی با جنگ نرم دشمنان
۳۰	مراد من از قوی‌تر شدن، فقط در زمینه‌ی نظامی و امنیتی نیست، البته در آنجاها باید قوی شد، اما در زمینه‌ی اقتصادی باید قوی بشوید، در زمینه‌ی فرهنگی باید قوی بشوید، در زمینه‌ی حفظ هویت اسلامی و انقلابی باید روزبه‌روز قوی‌تر و عمیق‌تر بشوید؛ این پاسخ دشمنی‌های دشمن است.	توجه همه جانبه به قوی شدن در تمامی ابعاد
۳۱	کشور را باید قدرتمند کنید. قدرت فقط به سلاح نیست؛ مهم‌ترین ابزار قدرت و مهم‌ترین عنصر قدرت‌ساز، علم و شخصیت ملی است. شخصیت افراد، ایستادگی، هویت، هویت انقلابی؛ اینها است که قدرت می‌سازد. ایمان، به ملت ما قدرت داد، انقلاب، به ملت ما قدرت داد. وقتی قدرت داشته باشید و دشمن ببیند قدرت شما را، ناچار عقب‌نشینی خواهد کرد؛ وقتی ما در مقابل دشمن از نشان دادن و عرضه کردن مبانی و عناصر قدرت خودمان اجتناب کنیم، پرهیز کنیم، بترسیم، ملاحظه کنیم، دشمن پُرو می‌شود.	علم و فناوری در کنار قدرت نظامی موجب افزایش توانمندی و قدرتمندی کشور خواهد شد
۳۲	یکی از اجزای مهم قدرت نرم جمهوری اسلامی، بی‌اعتمادی مطلق به قدرت‌های سلطه‌گر و در رأس آنها آمریکا است و این بی‌اعتمادی باید روزبه‌روز گسترش یابد.	رعایت اصل قدرت نرم در سیاست خارجی
۳۳	آن کسانی که تهدید می‌کنند، این را باید فهمیده باشند، حالا هم بفهمند؛ تهدید نظامی ایران و تعرض نظامی به ایران به‌صورت بزن و در رو، دیگر ممکن نیست. هر کس تعرضی بکند، به‌شدت عواقب آن تعرض دامن‌گیر او خواهد شد.	در برابر تهدید نظامی محکم ایستادگی می‌کنیم
۳۴	در راه افزایش قدرت بازدارندگی پیش خواهیم رفت و آن را به‌کار خواهیم گرفت، برای این که دشمن به فکر تعرض نیفتد و بداند که اگر چنانچه تعرض کرد، ضربه محکمی خواهد خورد، واکنش سختی خواهد دید. من مدت‌ها قبل گفتم دوران «بزن و دررو» به جمهوری اسلامی دیگر گذشته است؛ این که بیا بزن و دررو، [دیگر] [این‌جوری نیست؛ اگر زدند پایشان‌گیر می‌افتد؛ شروع ممکن است با آنها باشد اما تمام کردن دیگر با آنها نیست و در اختیار آنها نیست.	قدرتمندتر شدن موجب امنیت بیشتر و بازدارندگی را ایجاد خواهد کرد
۳۵	هر چه می‌توانید روی موشک کار کنید؛ ببینید دشمن چقدر روی موشک حساس است، پس بدانید که چقدر کارتان مهم است.	توجه به قدرت نظامی

ردیف	نقل قول	مضامین پایه‌ای
۳۶	دشمن از مذاکره استفاده می‌کند، از مبادلات اقتصادی استفاده می‌کند، از تحریم اقتصادی استفاده می‌کند، از تهدید به جنگ و سلاح استفاده می‌کند؛ در مقابل همه‌ی این‌ها بایستی نیروی دفاعی داشت.	توان نظامی و مذاکره مکمل همدیگر هستند
۳۷	امروزاً روزگار همه‌چیز است. روزگار مذاکره هم هست؛ باید در مذاکره قوی بود و جوری باید مذاکره کرد که بعد سرمان کلاه نرود.	در روابط خارجی مذاکره یک اصل است
۳۸	قدرت‌های دنیا که شما می‌بینید با صدای کلفت حرف می‌زنند، زور می‌گویند، غلط می‌کنند، حرف‌های بد می‌زنند و زورگویی می‌کنند، بیشتر از همه به استناد همان سلاح‌هایی است که دارند؛ آن وقت ما در مقابل اینها بیاییم دست خودمان را خالی کنیم؟	توجه به قدرت نظامی
۳۹	گر چنانچه نظام جمهوری اسلامی دنبال علم برود، دنبال فناوری برود، دنبال مذاکره‌ی سیاسی برود، دنبال کارهای گوناگون تجاری و اقتصادی برود - که همه‌ی اینها لازم است - اما قدرت دفاعی نداشته باشد، توانایی دفاع کردن نداشته باشد، هر بی‌سروپایی و [هر] دولت فزرتی کذائی‌ای او را تهدید میکند که اگر فلان کار را نکردید، ما موشک می‌زنیم؛ خب اگر شما امکان دفاع نداشته باشید، مجبورید عقب‌نشینی کنید.	توجه به دانش بنیان شدن در علوم و قدرت دفاعی
۴۰	اگر آن روز، مشکل غرب جلوگیری از خرید تسلیحات ابتدایی برای ایران بود، امروز مشکل او جلوگیری از انتقال سلاح‌های پیشرفته‌ی ایرانی به نیروهای مقاومت است	تأکید بر عمق راهبردی و قدرت نظامی

الف: سیاست خارجی تمدن ساز

به نظر می‌رسد که با توجه به تأکیدات فراوان آیت‌الله خامنه‌ای در سال‌های اخیر به موضوعاتی همچون الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، اقتصاد مقاومتی، دانش بنیان شدن حوزه‌های حکمرانی، بازسازی انقلابی ساختارهای فرهنگی و طرح مراحل پنج‌گانه تمدن نوین اسلامی، سازه مفهومی تمدن و لزوم همبستگی ارکان حاکمیتی و حکومتی به مسئله تمدن سازی را محور رویکردهای ایشان در زمینه‌های مختلف تلقی نمود، خصوصاً این که در بیانیه گام دوم هم به این مسئله اشاره شده است. سند آینده پژوهانه گام دوم انقلاب اسلامی ایران از جهاد بزرگ برای ساختن ایران اسلامی سخن گفته و با تأکید بر ورود انقلاب اسلامی ایران به دومین مرحله خودسازی و تمدن سازی نقشه راه به منظور نیل به هدف نهایی را تبیین نموده است و آرمان نظام جمهوری اسلامی که تمدن نوین اسلامی هست را مشخص نموده است لذا حوزه سیاست خارجی هم از این امر مستثنا نبوده و لازم است که با رویکردی تمدنی نقش خود را در ساختن تمدن نوین اسلامی ایفا کند. بنابراین همه مضامین و کدهای استخراج شده از بیانات ایشان را می‌توان به مضمون سیاست خارجی تمدن ساز نسبت داد و بر اساس آن الزامات راهبردی این نوع سیاست خارجی را از سخنان ایشان مستفاد و مستخرج نمود.

اساساً در دهه‌های اخیر و در خلال مناظره‌های متعددی که در درون نظریه‌های روابط بین‌الملل شکل گرفته مفاهیم انگاره‌ای به‌عنوان پدیده‌های اثرگذار بر سیاست بین‌الملل از جایگاه ممتازی برخوردار شده‌اند از جمله این مفاهیم مفهوم تمدن است (عبدخدایی، نوروزی فیروز، ۲۰۱۸: ۵۸)؛ به تعبیر دیگر در سال‌های اخیر مباحث تمدنی از حوزه دانش تاریخی فرا رفته و تبدیل به یکی از مباحث سیاسی و به‌ویژه در سیاست خارجی شده است به تعبیر سیدحسین نصر که ایده هدایتگر تمدن را مطرح نموده که خاص هر تمدن است و به‌مثابه روحی است که آن را می‌سازد (نصر، ۲۰۰۹: ۱۸)؛ ایده تمدن‌سازی روحی است که مغز و بنیان حکمرانی در اندیشه سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای را می‌سازد. به همین دلیل است که رهبری در سخنان خود در تبیین وظایف مسئولان در ساختن تمدن نوین اسلامی حوزه سیاست خارجی را نیز تأکید نموده و اشاره داشته است «برای تحقق هدف بزرگ مبدل نمودن ایران به کشوری قدرتمند، پیشرفته و شریف به معنای تقابل با پلید که مصداق برخی قدرت‌ها و کشورهاست و همچنین بهره‌مندی از حرفی نو در موضوعات بشری و بین‌المللی و در واقع برافراشتن پرچم تمدن نوین اسلامی، تمامی مسئولان باید توجهی جدی، کاربردی و پیگیر به این مسئله داشته باشند (مقام معظم رهبری، ۲۰۱۶/۱۰/۹). انقلاب اسلامی ایران به اذعان بسیاری از اندیشمندان یکی از مهم‌ترین تحولات قرن بوده است که علاوه بر الهام بخشیدن و تقویت تلاش‌های انقلابی در سراسر جهان موجب تغییر در چهره نظم منطقه‌ای گردید و صورت‌بندی نظری جدید نیز به آن اضافه نموده است (اسپوزیتو، ۲۰۱۸: ۱۹). لاجرم انقلابی با این ویژگی‌ها نمی‌تواند از مسئله تمدن‌سازی غفلت کند و نقش سیاست خارجی هم در این زمینه حیاتی می‌باشد. طبیعی است که سیاست خارجی تمدن‌ساز شامل استراتژی‌ها و رفتارهایی از سوی تصمیم‌گیران و تصمیم‌سازان و دستگاه‌های مسئول در حوزه بین‌الملل برای دستیابی به تمدن نوین اسلامی است و هم شامل فعل و انفعالاتی است که از سوی کنشگران دولتی در محیط خارجی با هدف رسیدن به تمدن نوین اسلامی رخ می‌دهد. الگوی سیاست خارجی تمدن‌ساز ایران را برای دستیابی به اهدافی چون: تأثیرگذاری ایجابی بر افکار عمومی کشورهای همسایه و شهروندان جهانی، نمایان نمودن کارآمدی نظام مردم سالار دینی و قدرت نرم‌افزاری آن، ایجاد جو اعتماد و احترام متقابل در تعامل با ملت‌های منطقه، تقویت فضای وحدت‌مداری و تقریب‌گرایی مذاهب و هم‌افزایی فرهنگی در جهان اسلام، ترویج روحیه امید و نشاط و بالندگی ناشی از پیشرفت‌های علمی و فناوری و تأکید بر انتقال دانش فنی به ملت‌های منطقه، تأکید بر گفتمان‌سازی با توجه به توان مدیریت تحول، سرعت پاسخگویی، استفاده از شیوه‌های ارتباطی متنوع، پیوند دیپلماسی فرهنگی و رسانه‌ای و همچنین نونطقه‌گرایی، توان تقویت فرهنگی، تصویرسازی و شبکه‌سازی، ایجاد برنده‌های جدید مبنی بر صلح طلبی، تمدن‌گنی و رویکرد مسالمت‌آمیز ایرانیان در سطح بین‌الملل و در نهایت تلفیق میان عدالت، توسعه و معنویت یاری می‌رساند (دهشیری و بهرامی، ۲۰۲۱: ۵۲). سیاست خارجی تمدن‌ساز سیاستی است که به ایران فرهنگی توجه داشته باشد؛ ایران

فرهنگی به‌عنوان واحدی همبسته که نه تنها همواره دارای نهادهای فرهنگی و تاریخی خاص خویش بوده بلکه توانسته در طول قرن‌ها در فرهنگ‌های دیگر نیز اثر بگذارد (اشرف، ۲۰۰۴: ۱۳۷). ایران فرهنگی همواره با دو عوامل به‌عنوان موانعی بر سر راه بازسازی حوزه تمدنی خویش مواجه بوده است، عوامل خارجی خصوصاً انگلیس و شوروی و همچنین آمریکا نیز نشان داده که با این حوزه تمدنی سر ناسازگاری دارد (پهلوان، ۱۹۹۸: ۳۴۹). برای ساختن تمدن نوین اسلامی و با مبنا قرار دادن ایران فرهنگی به‌عنوان نقطه قوت و عظیمت بحث در حال حاضر نیز آمریکا و نظام سلطه به شدت در حال طراحی برای مانع تراشی در برابر سیاست خارجی تمدن‌ساز ایران اسلامی هستند بر این اساس سیاست خارجی نباید صرفاً بر اساس فهمی غلط از منافع صرفاً ملی باشد بلکه بایستی بر محوریت حوزه تمدنی ایران استوار گردد آن هم تمدنی که از پیوند اسلامیت و ایرانی‌ت شکل گرفته است؛ به‌عبارت دیگر سیاست خارجی تمدنی یعنی سیاستی که به ایران کنونی محدود نشود و به همه اجزای تمدن توجه داشته باشد (جوادی ارجمند، حق‌گو و عظیم‌زاده، ۲۰۱۳: ۵۰). کشورهایی که دارای اشتراکات فرهنگی و تمدنی هستند می‌توانند در معادلات بین‌الملل به‌عنوان روحی واحد و بر اساس سیاست منسجم و همگرا در فرایندهای پیچیده نظام بین‌الملل و پیچ تاریخی در این نظام بین‌المللی در حال گذار از خود هویت مجزایی را نشان دهند و در ساختن نظم نوین بین‌المللی و اسلامی موفق باشند. مخلص کلام آن که سیاست خارجی تمدن‌ساز معتقد است که باید در این عصر اوضاع خود را در افق و بستر تاریخ‌مندی و برهه زمانی مهم فعلی در ساختار بین‌الملل درک کند.

جدول ۲: کدگذاری شبکه مضامین

ردیف	نقل قول	مضامین پایه‌ای	مضامین سازمان دهنده	مضامین فراگیر
۱	این که ما تصور کنیم اگر ارزش‌های معنوی را ملاک قرار دادیم، کار دیپلماسی به بن‌بست خواهد خورد، غلط است؛ به بن‌بست نمی‌خورد. می‌توان با حفظ همین ارزش‌ها، با پافشاری بر همین ارزش‌ها، در عرصه‌ی دیپلماسی وارد شد، فعال شد، تلاش کرد.	با تأکید بر ارزش‌ها می‌توان موانع را برطرف کرد	۱- دیپلماسی در صورت ارزش‌گرا بودن می‌تواند منافع ملی را تأمین کند	سیاست خارجی ارزش‌گرا و هنجاری
۲	هرچه بر پایداری به اصول اسلامی و روشهای آن بیشتر تأکید بورزید، موفقتر خواهید بود. موفقیت امروز دیپلماسی ما که دنیا، و حتی مخالفان ما، بدان اذعان دارند، در درجه‌ی اول مدیون تقید و پایداری شما دست‌اندرکاران است. این را حفظ کنید	موفقیت دیپلماسی مرهون پایداری به‌ارزش‌ها است	۲- دیپلمات باید به لحاظ فردی و باطنی ارزش‌گرا باشد	
۳	اگر کسی بدون ایمان و باور عمیق به اهداف، در عرصه‌ی دیپلماسی فعال باشد قطعاً نمی‌تواند موفق شود. عرصه‌ی دیپلماسی مانند میدان جنگ است. واقعیت این است که میدان دیپلماسی عرصه‌ی پنجه انداختن است و اگر کسی بدون اعتقاد راسخ به هدف، به این کار اقدام کند یا در همان موقعیت و یا در نهایت شکست خواهد خورد	در جنگ دیپلماسی‌ها هر کسی که با ایمان‌تر باشد موفق‌تر است.	۳- نفی نظام سلطه اصل اساسی سیاست خارجی است	

ردیف	نقل قول	مضامین پایه‌ای	مضامین سازمان دهنده	مضامین فراگیر
۴	حرکت ما در جبهه‌ی ظریفِ خطیرِ بسیار مؤثرِ دیپلماسی باید حرکتی باشد با این دید و با این نگاه و با توجه به این آرمان‌ها. این خطاست که ما خیال کنیم اگر به مبانی ارزشی خودمان پایند بمانیم، در عالم دیپلماسی عقب میمانیم؛ ابدأ	دیپلماسی با پایبندی به ارزش‌ها می‌تواند منافع کشور را تأمین کند.	۴- سیاست خارجی بر اساس مبانی دینی و اسلامی طراحی می‌شود.	
۵	در قانون اساسی، اسلام معیار سیاست خارجی است بنابراین موضع‌گیری در مقابل کشورها و مسائل مختلف، باید مختصات دینی داشته باشد.	سیاست خارجی باید مبتنی بر اسلام باشد.		
۶	دستگاه دیپلماسی مهم است. عرصه‌ی دیپلماسی، عرصه‌ی مبارزه است؛ در این مبارزه باید قوی باشید. اگر می‌خواهید قوی باشید، ارتباط با خدا را مستحکم کنید؛ هم خودتان، هم خانواده‌تان	دیپلمات باید ایمان قوی داشته باشد.		
۷	شما در محیط خارج از کشور این تعهد را کرده‌اید و این وظیفه و مأموریت را به دوش گرفته‌اید که از نظام جمهوری اسلامی و پیشرفت و منافع و مصالح آن با جد و جهد و با همه‌ی وجود دفاع کنید؛ این کار بسیار بزرگی است که از انسان‌های با ایمان قوی برمی‌آید. بنابراین قوت ایمانی و عمل ایمانی را که مترتب بر آن است، هر چه می‌توانید در خودتان تقویت کنید و همان طور که گفتم به خودتان هم اکتفا نکنید؛ «قوا انفسکم و اهلیکم نارا وقودها الناس والحجارة»	تقوا لازمه دیپلمات خوب است.		
۸	ما همچنان که نظام سلطه را در درون کشورمان با انقلاب به هم زدیم، نظام ارباب-رعیتی سیاسی و اجتماعی را به هم زدیم، دید ما در مسائل جهانی هم همین است؛ ما با نظام ارباب - رعیتی در سطح جهان مخالفیم؛ ما با نظام سلطه مخالفیم. اساس سیاست خارجی ما این است که ما این ایده‌ی مخالفت با سلطه‌گری و سلطه‌پذیری را، به‌عنوان یک ستون مستحکم، در فضای سیاست بین‌المللی در سطح دولت‌ها و ملت‌ها استقرار دهیم.	مبارزه با سلطه و زورگویان مبنای سیاست خارجی است.		
۹	گر کسی بدون ایمان و باور عمیق به اهداف، در عرصه‌ی دیپلماسی فعال باشد قطعاً نمی‌تواند موفق شود.	ایمان و تقوا باید سرلوحه دیپلمات باشد		
۱۰	در عرصه‌ی دیپلماسی باید با اعتماد به نفس ملی و بدون هیچ‌گونه رو درباستی در پافشاری بر اصول انقلابی و مبانی دینی عمل کرد.	در روابط خارجی باید به اصول دینی پایبند بود		
۱۱	مثل آن‌روزی که امریکا و شوروی ابرقدرت بودند - باز هم با نظام سلطه مخالفیم. ما آن‌روز هم مخالف بودیم، امروز هم	مبارزه با سلطه و زورگویان مبنای		

ردیف	نقل قول	مضامین پایه‌ای	مضامین سازمان دهنده	مضامین فراگیر
	مخالفیم؛ این سیاست جمهوری اسلامی است. ما روابط ناشی و برآمده‌ی از نظام سلطه در سیاست بین‌المللی را رد می‌کنیم؛ قبول نداریم.	سیاست خارجی است.		
۱۲	علائم زیادی وجود دارد که نظم کنونی جهان دارد تغییر پیدا می‌کند و نظم جدیدی بر جهان حاکم خواهد شد... فکر مقاومت و جبهه‌ی مقاومت در مقابل زورگویی گسترش خواهد یافت، که مبتکرش جمهوری اسلامی است.	مقاومت گرای و ایستادگی در برابر زورگویان ابتکار جمهوری اسلامی ایران است		
۱۳	دفاع از مظلوم، همیشه یک نقطه درخشان است، کنار نیامدن با ظالم، رشوه نپذیرفتن از زورمند و زرمند، پافشاردن برحقیقت، این‌ها چیزهایی است که هیچ وقت در دنیا کهنه نمی‌شود، این‌ها را باید دنبال کنیم، اصول اینهاست. مقبولیت جهانی بسیار خوب است، اما نه به بهای دست برداشتن از اصول جمهوری اسلامی که هویت ملی و جمعی ماست	حمایت از مظلومین و مقاومت در برابر زورگویان در سیاست خارجی مهم است		
۱۴	این انقلاب از آغاز تا امروز نه بی‌رحم و خون‌ریز بوده و نه منفعل و مردّد. با صراحت و شجاعت در برابر زورگویان و گردنکشان ایستاده و از مظلومان و مستضعفان دفاع کرده است.	مقابله ظالم و حمایت از مستضعفان مبنای سیاست خارجی است		
۱۵	ملت ایران در فضای حیات‌بخش انقلاب توانست نخست دست نشانده‌ی آمریکا و عنصر خائن به ملت را از کشور براند و پس از آن هم تا امروز از سلطه‌ی دوباره‌ی قلدران جهانی بر کشور با قدرت و شدت جلوگیری کند.	مبارزه با نظام سلطه از انقلاب اسلامی تا همیشه ادامه دارد		
۱۶	معنای دیگر ویژگی‌های مہارت دیپلماتیک (استفاده به‌موقع و به‌جا از انعطاف و اقتدار) [نرمش قهرمانانه است که صلح امام حسن مجتبی علیه‌السلام پرشکوه‌ترین نمونه‌ی تاریخی آن به‌شمار می‌رود.	منعطف بودن در رفتار سیاست خارجی یک اصل است	۱- عزت، حکمت، مصلحت در سیاست خارجی سه اصل مقوم و اساسی هستند	سیاست خارجی مبتنی بر بازیگر استراتژیک و مبتکر
۱۷	در این سال‌ها جبهه‌بندی‌های منطقه‌ای و جهانی هم آشکار شده. البته نرمش و انعطاف و مانور هنرمندانه و قهرمانانه در همه‌ی عرصه‌های سیاسی، یک کار مطلوب و مورد قبولی است، لکن این مانور هنرمندانه نیایستی به معنای عبور از خطوط قرمز، یا برگشتن از راهبردهای اساسی، یا عدم توجه به آرمان‌ها باشد؛ این‌ها را باید رعایت کرد. البته هر دولتی، هر شخصی، هر شخصیتی، روش‌هایی دارند، ابتکاراتی دارند، این ابتکارات را انجام خواهند داد و [کار] پیش خواهد رفت.	در سیاست خارجی باید ابتکار عمل داشت	۲- سیاست خارجی باید آرمان‌گرا و برای رسیدن به آرمان‌ها واقع‌نگر باشد	
۱۸	هر حرکتی در سیاست خارجی باید عقلانی و فکر شده باشد و	سیاست خارجی		

ردیف	نقل قول	مضامین پایه‌ای	مضامین سازمان دهنده	مضامین فراگیر
	تصمیمات و اقدامات دفاعی و بدون حساب در مقاطعی به کشور ضربه زده است.	باید با برنامه‌ریزی و محاسبه‌گری همراه باشد.	+ - نرمش قهرمانانه روشی در سیاست خارجی است	
۱۹	حکمت این است که شما بتوانید مواضع طرف مقابل را حکیمانه به مواضع خودتان نزدیک کنید؛ حکمت یعنی با منطق، متین در عرصه‌ی دیپلماسی وارد شدن. اگر چنانچه اینجوری پیش برویم، به توفیق الهی پیشرفت‌های ما هرگز متوقف نخواهد شد.	سیاست خارجی با منطق حرکت می‌کند.		
۲۰	حکمت، یعنی حکیمانه و سنجیده کارکردن. هیچ‌گونه نسنجیدگی را نباید در اظهارات دیپلماتیک و هر آنچه که مربوط به سیاست خارجی و ارتباطات جهانی است، راه داد. همه چیز باید سنجیده باشد. آدم نباید هرچه به دهانش آمد، بگوید. باید ملاحظه کنیم که آیا این سخن با موازین منطق و خرد منطبق است، یا منطبق نیست. اگر منطبق نیست، آن را کنترل کنیم. باید حکیمانه برخورد کنیم. فقط در حرف زدن نیست؛ در معاشرت‌ها و برخوردها هم باید حکیمانه برخورد کرد. ضرر کار نسنجیده در این‌جا، عمیق‌تر و عمومی‌تر و چشمگیرتر و نقدتر است. کار نسنجیده نباید انجام بگیرد، حرف نسنجیده نباید زده بشود. جوانب هر کاری باید خوب سنجیده بشود و بعد انجام بگیرد. این، معنای حکمت است. همین‌طور که در اصول سیاست خارجی بارها گفته‌ایم، حکمت یکی از اصول سه‌گانه‌ی ماست، و در کنار آن، مصلحت. ما حکیمانه و مدبرانه عمل می‌کنیم.	سنجیده رفتار نمودن اصل مهم سیاست خارجی است		
۲۱	مصلحت یعنی یافتن راهی برای گذشتن از کنار موانع دشوار و ادامه دادن راه برای رسیدن به هدف. مصلحت یعنی شناختن موارد انعطاف. یک جاهایی باید انعطاف داشت. انعطاف منافات با اصول ندارد. حفظ اصول با امکان انعطاف با هم می‌سازند، می‌توان یک جاهایی انعطاف به خرج داد.	انعطاف در رفتار سیاست خارجی الزامی است		
۲۲	حکمت و عزت و مصلحت مکمل‌همند؛ باید در جهت مصالح ملی باشند؛ و در درجه‌ی اول باید با حفظ عزت ملی و عزت هویتی همراه باشند	مصالح ملی اولویت سیاست خارجی است		
۲۳	جمهوری اسلامی، متحجر و در برابر پدیده‌ها و موقعیت‌های نو به نو، فاقد احساس و ادراک نیست، اما به اصول خود بشدت پایبند و به مرزبندی‌های خود با رقیبان و دشمنان بشدت	رعایت اصول سیاست خارجی و عدم تغییر در		

ردیف	نقل قول	مضامین پایه‌ای	مضامین سازمان دهنده	مضامین فراگیر
	حساس است. با خطوط اصلی خود هرگز بی‌مبالاتی نمی‌کند و برایش مهم است که چرا بماند و چگونه بماند.	اصول		
۲۴	در سیاست خارجی وقتی می‌گوییم عزت، یعنی نفی دیپلماسی التماسی. ما در طول این سال‌ها داشتیم مواردی را که دیپلماسی ما، تعبیر درست در قبالش همین تعبیر «التماسی» است، «دیپلماسی التماسی». ممکن است لحن‌مان هم التماس‌آمیز نبوده اما باطن قضیه التماس بوده. عزت یعنی نفی این جور دیپلماسی، نفی چشم دوختن به دست و زبان این و آن. این شخصیت پخته‌ی سیاسی قدیمی فلان کشور این‌جوری گفت، این‌جوری قضاوت کرد، آن یکی این‌جوری گفت، این‌جوری اقدام می‌کنند. عزت یعنی ما چشم‌مان و نگاهمان به این چیزها نباشد، تکیه‌مان به اصول خودمان باشد.	عزتمندی و رعایت اصول در سیاست خارجی		
۲۵	دیپلماسی عمومی از ابتکارات جمهوری اسلامی ایران است و باید توجه بیشتری به آن شود.	توجه به دیپلماسی عمومی و ارتباط با افکار عمومی ملت‌ها در سیاست خارجی		
۲۶	کشور بایستی قوی بشود؛ قوی شدن کشور جزو هدف‌های ما است. این هم از خطوط اصلی نسخه‌ی بعثت است؛ این هم از بعثت گرفته شده؛ این هم از قرآن گرفته شده. قرآن می‌فرماید که «وَاعِدُوا لَهُمْ مَا لَسْتُمْ بِمُوفِّينَ»؛ هر چه می‌توانید قوت را زیاد کنید.	افزایش مؤلفه‌های قدرت و استفاده از ابزار سیاست خارجی در این زمینه مهم است	۱- منابع سخت افزاری قدرت در سیاست خارجی ملاک قرار گیرد.	
۲۷	اساساً حیات یک ملت و بالندگی یک ملت، وابسته به این است که مؤلفه‌های قدرت و عناصر قدرت را در خود تقویت کند و آنها را در جای لازم و به‌هنگام، مورد بهره‌برداری و استفاده قرار بدهد.	رعایت استفاده صحیح از انواع قدرت	۲- منابع نرم افزاری قدرت در سیاست خارجی ملاک قرار گیرد.	راهبرد قدرت هوشمند
۲۸	در پیشرفت به سمت هدف‌های آرمانی، باید ساخت درونی قدرت را استحکام بخشید؛ اساس کار این است. ما اگر می‌خواهیم این راه را ادامه دهیم و به این سمت حرکت کنیم و این هدف‌ها را دنبال کنیم و چشم به این آرمان‌ها بدوزیم و پیش برویم و در	توجه به استحکام ساخت درونی قدرت	۳- عمق راهبردی و افزایش مؤلفه‌های قدرت در مناطق مرتبط با منافع ملی توجه گردد.	

ردیف	نقل قول	مضامین پایه‌ای	مضامین سازمان دهنده	مضامین فراگیر
	مقابل این معارضه‌ها ایستادگی کنیم و صبر و توکل را به کار بگیریم، باید ساخت قدرت ملی را در درون کشور تقویت کنیم و استحکام ببخشیم.			
۲۹	تلاش در این جنگ نرم، زمینه‌سازی برای تهی شدن نظام از عناصر قدرت است؛ می‌خواهند کاری کنند که نظام اسلامی از عناصری که در درون او است و مایه‌ی اقتدار او است، تهی بشود و خالی بشود، وقتی ضعیف شد، وقتی عناصر قدرت در او نبود، وقتی اقتدار نبود، دیگر از بین بردنش و کشاندنش به این سمت و به آن سمت، کار مشکلی برای ابرقدرت‌ها نخواهد بود؛ می‌خواهند او را وادار کنند به تبعیت.	مقابله جدی با جنگ نرم دشمنان		
۳۰	مراد من از قوی‌تر شدن، فقط در زمینه‌ی نظامی و امنیتی نیست، البته در آنجاها باید قوی شد، اما در زمینه‌ی اقتصادی باید قوی بشوید، در زمینه‌ی فرهنگی باید قوی بشوید، در زمینه‌ی حفظ هویت اسلامی و انقلابی باید روزبه‌روز قوی‌تر و عمیق‌تر بشوید؛ این پاسخ دشمنی‌های دشمن است	توجه همه جانبه به قوی شدن در تمامی ابعاد		
۳۱	کشور را باید قدرتمند کنید. قدرت فقط به سلاح نیست؛ مهم‌ترین ابزار قدرت و مهم‌ترین عنصر قدرت‌ساز، علم و شخصیت ملی است. شخصیت افراد، ایستادگی، هویت، هویت انقلابی؛ اینها است که قدرت می‌سازد. ایمان، به ملت ما قدرت داد، انقلاب، به ملت ما قدرت داد. وقتی قدرت داشته باشید و دشمن ببیند قدرت شما را، ناچار عقب‌نشینی خواهد کرد؛ وقتی ما در مقابل دشمن از نشان دادن و عرضه کردن مبانی و عناصر قدرت خودمان	علم و فناوری در کنار قدرت نظامی موجب افزایش توانمندی و قدرتمندی کشور خواهد شد		

ردیف	نقل قول	مضامین پایه‌ای	مضامین سازمان دهنده	مضامین فراگیر
	اجتناب کنیم، پرهیز کنیم، بترسیم، ملاحظه کنیم، دشمن پُرو می‌شود.			
۳۲	یکی از اجزای مهم قدرت نرم جمهوری اسلامی، بی‌اعتمادی مطلق به قدرت‌های سلطه‌گر و در رأس آنها آمریکا است و این بی‌اعتمادی باید روزبه‌روز گسترش یابد.	رعایت اصل قدرت نرم در سیاست خارجی		
۳۳	آن کسانی که تهدید می‌کنند، این را باید فهمیده باشند، حالا هم بفهمند؛ تهدید نظامی ایران و تعرض نظامی به ایران به‌صورت بزن و در رو، دیگر ممکن نیست. هرکس تعرضی بکند، به‌شدت عواقب آن تعرض دامن‌گیر او خواهد شد	در برابر تهدید نظامی محکم ایستادگی می‌کنیم		
۳۴	در راه افزایش قدرت بازدارندگی پیش خواهیم رفت و آن را به‌کار خواهیم گرفت، برای این که دشمن به فکر تعرض نیفتد و بداند که اگر چنانچه تعرض کرد، ضربه محکمی خواهد خورد، واکنش سختی خواهد دید. من مدت‌ها قبل گفتم دوران «بزن و در رو» به جمهوری اسلامی دیگر گذشته است؛ اینکه بیا بزن و در رو، [دیگر] این‌جوری نیست؛ اگر زدند پایشان‌گیر می‌افتد؛ شروع ممکن است با آنها باشد اما تمام کردن دیگر با آنها نیست و در اختیار آنها نیست.	قدرتمندتر شدن موجب امنیت بیشتر و بازدارندگی را ایجاد خواهد کرد		
۳۵	هر چه می‌توانید روی موشک کار کنید؛ ببینید دشمن چقدر روی موشک حساس است، پس بدانید که چقدر کارتان مهم است.	توجه به قدرت نظامی		
۳۶	دشمن از مذاکره استفاده می‌کند، از مبادلات اقتصادی استفاده می‌کند، از تحریم اقتصادی استفاده می‌کند، از تهدید به جنگ و سلاح استفاده می‌کند؛ در مقابل همه‌ی اینها بایستی	توان نظامی و مذاکره مکمل همدیگر هستند		

ردیف	نقل قول	مضامین پایه‌ای	مضامین سازمان دهنده	مضامین فراگیر
	نیروی دفاعی داشت.			
۳۷	امروز روزگار همه چیز است. روزگار مذاکره هم هست؛ باید در مذاکره قوی بود و جوری باید مذاکره کرد که بعد سرمان کلاه نرود.			در روابط خارجی مذاکره یک اصل است
۳۸	قدرت‌های دنیا که شما می‌بینید با صدای کلفت حرف می‌زنند، زور می‌گویند، غلط می‌کنند، حرف‌های بد می‌زنند و زورگویی می‌کنند، بیشتر از همه به استناد همان سلاح‌هایی است که دارند؛ آن وقت ما در مقابل اینها بیابیم دست خودمان را خالی کنیم؟			توجه به قدرت نظامی
۳۹	گر چنانچه نظام جمهوری اسلامی دنبال علم برود، دنبال فناوری برود، دنبال مذاکره‌ی سیاسی برود، دنبال کارهای گوناگون تجاری و اقتصادی برود - که همه‌ی اینها لازم است - اما قدرت دفاعی نداشته باشد، توانایی دفاع کردن نداشته باشد، هر بی‌سروپایی و [هر] دولت فزرتی (۱۰) کذائی‌ای او را تهدید می‌کند که اگر فلان کار را نکردید، ما موشک می‌زنیم؛ خب شما امکان دفاع نداشته باشید، مجبورید عقب‌نشینی کنید.			توجه به دانش بنیان شدن در علوم و قدرت دفاعی
۴۰	اگر آن روز، مشکل غرب جلوگیری از خرید تسلیحات ابتدایی برای ایران بود، امروز مشکل او جلوگیری از انتقال سلاح‌های پیشرفته‌ی ایرانی به نیروهای مقاومت است			تأکید بر عمق راهبردی و قدرت نظامی

ب: دیپلماسی هنجارمند

از زمان ایجاد دولت- ملت‌ها و به‌ویژه فرایندهای سیاست بین‌الملل بعد از عهدنامه وستفالی، کشورها به لحاظ اجرای عملی دیپلماسی اقدامات زیادی انجام داده‌اند و رویکردهای گوناگونی را در روابط خارجی خود اتخاذ کرده‌اند. انقلاب اسلامی ایران به لحاظ سلبی، خط بطلانی بر بسیاری از مناسبات و روابط

سیاسی- اجتماعی کشور کشید و به لحاظ ایجابی مناسبات جدیدی را بنیان نهاد و نگاه انسان ایرانی و بسیاری از انسان‌های دیگر را به جهان هستی، انسان، فرجام زندگی، حکومت و نظام سیاسی و ... تغییر داد. برآیند همه اتفاقات منجر به انقلاب اسلامی، عمومیت یافتن گفتمان و جهت‌گیری بوده است که مختصات خاص خودش را دارد. این گفتمان در حوزه سیاست خارجی نیز باعث به‌وجود آمدن جهت‌گیری و راهبردی شده است که می‌توان آن را دیپلماسی هنجارمند تعبیر نمود. لذا گفتمان انقلاب اسلامی که بر مبنای اصول و مبانی مشخصی بنا شده است راهنمای عمل و رفتار سیاست خارجی می‌باشد. سیاست از نظر اسلام ماهیتی هنجاری دارد و دولت اسلامی آکنده از ارزش‌های دینی است و ساختار و هندسه ویژه‌ای دارد (فیرحی، ۲۰۰۷: ۱۲)؛ و تمامی مناسبات امت اسلامی را در چهارچوب مفاهیم و ارزش‌های دینی قرار می‌دهد و خصلتی هنجاری و آرمانی به این گفتمان می‌بخشد (میراحمدی، ۲۰۱۱: ۱۳۴)، در گام دوم انقلاب اسلامی ایران، مقاومت‌گرایی و نفی نظام سلطه و توجه به ارزش‌های اسلامی و تلاش برای تحقق نظم نوین اسلامی قلب تپنده راهبردهای سیاست خارجی هنجاری را تشکیل می‌دهد. نظریه مقاومت در چهارچوب جهان‌بینی توحیدی و معرفت و حیانی به‌عنوان نظریه‌هایی بخش در قالب پارادایم سلطه‌ستیزی و برخورد با سلطه مبتنی بر قدرت روایت انقلاب اسلامی از متن اسلام ناب و با هدف غرب‌زدگی زدایی از مناسبات قدرت و سیاست بین‌الملل تئوری‌پردازی شده است (قادری کنگاوری، ۲۰۲۰: ۱۶۹). در این نوع دیپلماسی یعنی ارزشی و هنجاری در قالب ساخت و بافت سیاسی نظام اسلامی ایران چهارچوب‌های فقهی نقش مهمی بر ساخت‌شدن خارجی ایفا می‌کنند. فقه در معنای اسلامی آن به معنای قانون زندگی و عرصه بایدها و نبایدهای مسلمانان می‌باشد (لکزایی، ۲۰۱۰: ۱۲۷). اهمیت فقه در موضوع مورد بررسی این است که برسازنده تلقی مسلمانان و نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران از جهانی است که با آن در تعامل می‌باشد. جهان و نظام بین‌المللی بر اساس چارچوب‌های فقهی برای یک مسلمان دسته‌بندی و معنادار شده و در نهایت برساخته می‌شود در واقع تعریف خاص فقه سیاسی از سیاست خارجی و نوع تعریفی که از برقراری روابط بین‌المللی ارائه می‌دهد، سازنده‌ی استراتژی‌های دیپلماسی و سیاست خارجی انقلاب اسلامی ایران در روابط بین‌المللی است. فقه سیاسی با ساختن هویت اسلامی و مذهبی، تعیین‌کننده مجموعه‌ای از قواعد و هنجارهایی است که نقش دهنده به سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران است (شبان‌نیا، ۲۰۰۶: ۱۰۲). بر این اساس می‌توان تأثیر فقه را بر سیاست خارجی دولت جمهوری اسلامی ایران و استراتژی‌های کلان آن درک نمود و بر اساس همین چارچوب‌های فقهی یک نظام سیاسی اسلامی دارای وظایفی است که قاعده نفی‌سییل یک نمونه شناخته شده آن می‌باشد (علی‌پور، ۲۰۱۰: ۵۱). اگر یکی از مبانی تفکر سیاسی در فقه سیاسی اسلام را نفی‌سلطه‌ی بیگانه و استبداد در نظر بگیریم وجود این تفکر را به‌صورت مؤثر در الگو و جهت‌گیری دیپلماسی هنجاری مشاهده می‌کنیم. دیپلماسی هنجارمند الگویی مبتنی بر فرهنگ راهبردی در حوزه پراکسیس و عمل سیاست

خارجی است. فرهنگ راهبردی یعنی کلیه معانی به هم پیوسته اشکال و واکنش‌های ثابت که کارگزاران راهبرد ملی از راه آموزش تاریخ و فرهنگ ملی و ایدئولوژیک به دست آورده‌اند (اسنایدر، ۱۹۹۷: ۸). لذا می‌توان با فهم معانی و زمینه‌های گفتمان دینی و اسلامی خصوصاً آموزه‌های فقهی و سیاسی تشیع به راهبردهایی در زمینه الزامات راهبردی سیاست خارجی و نهایتاً دیپلماسی هنجارمند دست یافت که نفی نظام سلطه و مقاومت‌گرایی، پایبندی به ارزش‌های دینی، تکلیف محوری از جمله این خصایص راهبردی هستند. اسلام و دستورات آن در سیاست خارجی، هنجار و ارزش اصلی در تدوین دیپلماسی هنجارمند در گام دوم انقلاب اسلامی است (ارجینی، ۲۰۰۷: ۱۹۹). راهبرد دیپلماسی هنجارمند به‌عنوان یک دال مفهومی مؤثر در گفتمان اسلام سیاسی فقاهتی که سازنده حکومت مبتنی بر ولایت مطلقه فقیه است قابل درک می‌باشد بنابراین اسلام سیاسی فقاهتی اصول و چراغ راهنمای سیاست خارجی است که نقشه راه و دستورات رفتار سیاست خارجی را مشخص می‌کند. دیانت با سیاست و قدرت پیوند فخری پیدا کرده و ضمن پیوند با مدارهای هویتی، تئوری‌های قدرت در معادلات کلان جهانی را به چالش کشانده و در برآیند کلی به‌منزله طرح نویی تلقی شده است که الهام‌بخش معنوی ملت‌ها، به‌ویژه در جوامع مسلمان شده و به‌تبع آن، دین اسلام از حاشیه سیاست‌ها و معادلات بین‌المللی خارج شده و در مرکز فضای ذهنی دنیای معاصر نشسته است (سیدنژاد، ۲۰۱۰). در سیاست خارجی هنجاری معناسازی نقش مهمی در نظام بین‌المللی ایفا می‌کند که می‌تواند در ساخت جهان بیرونی نیز نقش داشته باشد. در اینجا این‌طور استدلال می‌شود که نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران برای این‌که بتواند به اهداف مورد نظر خود دست یابد لازم است که کنش‌های سیاست خارجی در پرداخت مبانی و اصول برآمده از ارزش‌های دینی و شریعت اسلامی هم در راهبرد و هم در سطح کارگزار و سوژه تنظیم گردد. سیاست خارجی ارزشی به تعبیر بهتر تعیین‌کننده این است که دولت به‌مثابه کلان ساختار نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران از چه هویتی برخوردار است و چه می‌خواهد و ترجیحات و کنش‌های بعدی آن چگونه باید شکل گیرد. هویت هر دولت گویای ترجیحات و کنشگری‌های آن دولت است و در اینجا ارزش‌های دینی و اسلامی تعیین‌کننده بوده‌اند. در این نوع سیاست خارجی برآمده از گفتمان اسلام سیاسی فقاهتی همگرایی جهان اسلام به منظور مقابله با سلطه فرهنگی و ارزشی غرب و احیای فرهنگ و ارزش‌های دینی توحیدی پیگیری می‌شود، در این نوع راهبرد هویت انقلابی اسلامی مبنای عمل سیاست خارجی ایران تلقی می‌گردد (ملایی و کافی، ۲۰۱۳: ۱۲۳).

ج: بازیگر استراتژیک

انقلاب اسلامی با محور قرار دادن شعار نه شرقی نه غربی وارد حوزه کنشگری در برابر ساخت ناعادلانه نظام بین‌الملل و قطب‌های قدرت در زمان خود شد و نحوه توزیع قدرت در این نظام بین‌المللی و قواعد آن را به چالش کشید که البته این رویکرد با خرد ابزاری و عقل خود بنیاد غربی قابل درک نیست اما این

همه ماجرا نبوده و در سال‌های گذشته ضمن تأثیر عوامل کارگزار سیاسی و رهبران نظام جمهوری اسلامی ایران بر کنشگری در عرصه بین‌الملل توجه به کنشگر عاقلانه و هدفمند مدنظر همه این عوامل کارگزاری بوده است تا در رسیدن به اهداف ترسیم شده ناظر به موانع ساختاری بتوان کنشگری حساب شده‌ای را انجام داد بنابراین سیاست خارجی ایران بر این اساس نتیجه کنش متقابل عوامل ساختاری و کارگزاری در سطح عملیاتی و آرمان‌گرایی واقع بین در سطح نظری است.

فرایند راهبرد نگاری سیاست خارجی ایران بر مبنای کنشگر عاقل و بر مبنای تحلیل فرصت‌ها و محدودیت‌ها می‌باشد همزمان واکنشی و منفعلانه تعیین نمی‌گردد و ضمن درک این محدودیت‌های ساختاری به‌عنوان یک بازیگر مستقل تصمیم گرفته و فعالانه رفتار می‌کند در اینجا نیز سازه‌های مفهومی نرمش قهرمانانه و آرمان‌گرایی واقع دو رویکرد مهم در برساختن استراتژی بازیگر راهبردی یا استراتژیک هستند. نرمش قهرمانانه به معنای عملی انعطافی و منطقی در چهارچوب آرمان‌ها و برگرفته از اصول آن است اگر رفتار منعطف اما خارج از شمول آرمان‌ها باشد نرمش قهرمانانه نخواهد بود لذا در اراده معطوف به در نرمش قهرمانانه باید به این اصول و آرمان‌ها انقلاب و نظام اسلامی و انعطاف و روش‌های دیپلماسی توازن برقرار باشد. از طرفی دیگر گفتمان انقلاب اسلامی واقع بین است به شکلی که حوزه دیپلماسی اعم از دولت و یا حاکمیت باید آرمان‌های انسانی و اسلامی را با توجه به واقعیت‌ها و مصلحت‌ها پیگیری و تامین نماید (دهقانی فیروزآبادی، ۲۰۱۴: ۹). این رویکرد به نوعی تجلی بخش نظریه وحدت در عین کثرت است یعنی روش‌های متعدد در خدمت ارزش‌های واحد قرار گیرند (ازغندی و مرادی‌جو، ۲۰۱۷: ۱۰). این الگو بر انگارهایی از قبیل تلفیق ژئو استراتژی و ایدئو استراتژی، پیوند سیاست داخلی و خارجی، اهداف ملی و فراملی استوار است (دهشیری، ۱۹۹۹: ۳۳۶). به‌عبارت بهتر مبنای کنشگری نظام جمهوری اسلامی ایران در عرصه بین‌الملل در اندیشه سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای از یک سو مبتنی بر واقعیات و از سوی دیگر مبتنی بر آرمان‌ها طراحی می‌شود. در اندیشه سیاسی ایشان آرمان‌گرایی همراه با واقع‌بینی، فهم دقیق و ترکیب ظریف آرمان‌خواهی توأم با واقع‌بینی را ضروری می‌داند. ترکیب آرمان‌گرایی و واقع‌بینی یعنی همان بازیگر استراتژیک سیاست خارجی که نوعی سیاست خارجی مجاهدانه در چهارچوب دبیر است؛ لذا عقلانیت و محاسبه برای نیل به اهداف و آرمان‌ها در زیست جهان این بازیگر اهمیت می‌یابد. برای فهم دقیق رویکرد کنشگر استراتژیک می‌توان از آلیسون کمک گرفت به نظر وی تلاش برای تغییر رویدادهای بین‌الملل براساس هدف و محاسبه ملت و دولت علامت مشخص الگوی بازیگر خردمند است (آلیسون، ۱۹۸۵: ۳۶). در اندیشه مقام معظم رهبری، مفهوم کلی عقلانیت با محاسبه‌گری و نگاه منطقی به وقایع و روندها پیوند عمیقی دارد. بر اساس مضامین به‌دست آمده از اندیشه سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای، تبیین و ترسیم سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر عقلانیت می‌باشد که این عقلانیت را در محاسبه‌گری، توجه به واقعیات بین‌الملل، عدم محافظه‌کاری به معنای ترس و مقابله با استکبار جهانی می‌بیند.

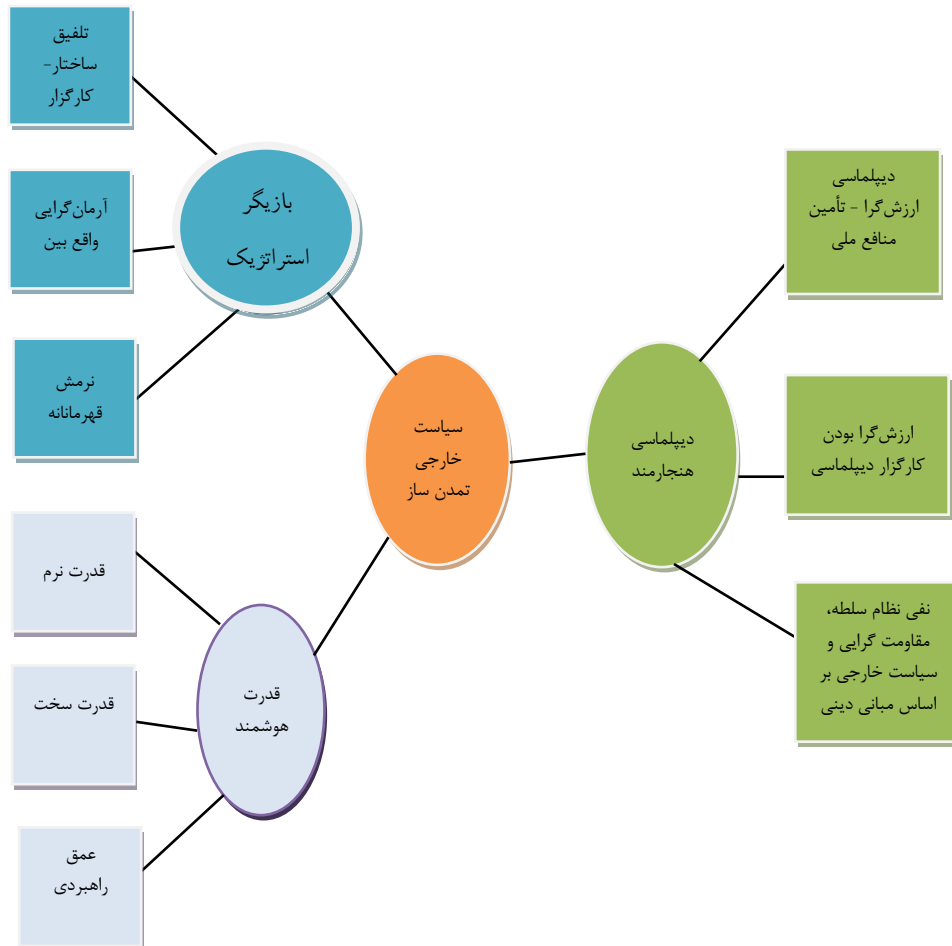
د: قدرت هوشمند

مفهوم قدرت هوشمند یکی از جدیدترین اصطلاحات در مطالعات سیاست بین‌الملل است که به معنای ادغام هدفمند و خردورانه منابع سخت‌افزارانه و نرم‌افزارانه قدرت برای مقابله با انواع تهدیدها می‌باشد (ناسل^۱، ۲۰۰۴: ۱۳۳). قدرت هوشمند نه سخت‌افزارانه است و نه نرم‌افزارانه بلکه کاربرد ماهرانه هر دو آنها است (آرمیتاژ و نای^۲، ۲۰۰۷: ۶). جوزف نای از رویکردهای مبتنی بر سبک الهام بخش و سبک تراکنشی در تلفیق قدرت سخت و نرم استفاده کرده که سبک الهام بخش به سیاستی نسبت داده می‌شود که بر منابع قدرت نرم تأکید دارد از سوی دیگر سبک تراکنشی به سیاست مبتنی بر قدرت سخت؛ نای معتقد است که رهبران و طبعاً دولت‌ها می‌توانند مهارت‌های هر دو نوع سبک اشاره شده را ترکیب کنند (نای، ۲۰۱۹: ۱۳۰). با توجه به مطالب فوق و مضامین استخراج شده در بیانات رهبری انقلاب به مضمون قدرت هوشمند می‌رسیم که در این مدل؛ رهبری، به هر دو بُعد سخت‌افزاری و نرم‌افزاری قدرت در حوزه سیاست خارجی تأکید داشته و ساختن ایران و تمدن نوین اسلامی را بر این اساس مهم می‌دانند. توجه همزمان به افزایش مؤلفه‌های سخت‌افزاری قدرت از جمله افزایش توان نظامی و از سوی دیگر افزایش مؤلفه‌های نرم‌افزاری قدرت از جمله علم و فناوری، دیپلماسی عمومی و رسانه‌ای به معنای اهمیت تلفیق هر دو نوع قدرت که همان قدرت هوشمند است تلقی می‌شود. در چنین فضایی و مبتنی بر مفهوم بازیگر استراتژیک می‌توان توجه به قدرت هوشمند را بیانگر کنشی در حوزه سیاست خارجی دانست که حوزه‌های ابزاری را به عرصه‌های کنش استراتژیک پیوند می‌دهد و این مسئله منجر به افزایش توان در ساخت و بافت قدرت ملی شده و در تأمین منافع ملی و فراملی مهم خواهد بود. زیرساخت قدرت هوشمند را عقلانیت ماهوی تشکیل می‌دهد در حالی که قواعد و قالب‌های قدرت سخت‌افزاری را عقلانیت ابزاری و همچنین قدرت نرم را می‌توان در نشانه‌هایی از عقلانیت ارتباطی مورد ملاحظه قرار داد، بنابراین قدرت هوشمند زمانی شکل می‌گیرد که عقلانیت ماهوی بتواند زمینه‌های کنترل عقلانیت ابزاری و عقلانیت ارتباطی را فراهم کند (متقی، ۲۰۰۸: ۵۸). قدرت هوشمند به معنای توسعه یک راهبرد عمل‌گرایانه مبتنی بر منابع و ابزارهای مناسب برای تحقق اهداف نظام جمهوری اسلامی ایران مورد تأکید رهبری انقلاب و تصمیم‌گیران سیاست خارجی بوده است. قدرت هوشمند ضمن این که قدرت نظامی را تولید می‌کند بر ائتلاف و همکاری و تلاش برای افزایش نفوذ در سطح جهانی نیز توجه دارد. با در نظر گرفتن پیشینه تاریخی و جغرافیایی، ظرفیت‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و در نهایت روی کار آمدن نظام سیاسی دینی و انقلابی در ایران شاهد بروز انواع مخاصمات نرم و سخت علیه ایران هستیم. به علاوه بروز تحولات چند دهه اخیر باید گفت اهمیت قدرت هوشمند روزبه‌روز برای ایران با اهمیت‌تر می‌شود چرا که برخورد با آنها نیازمند منابع، زمان و بکارگیری انواع نیروها است. از همین رو قدرت هوشمند می‌تواند به‌عنوان یک استراتژی در سیاست خارجی عامل مهمی در مدیریت و رفع چالش‌های پیش‌رو باشد.

1. Nossel

2. Armitage&Nye

مهم‌ترین تحولاتی که ایران را به‌کاربست قدرت هوشمند هدایت می‌کند عبارت است از: ۱- تحولات سریع و دومینویی جغرافیایی از افغانستان تا سوریه؛ ۲- تحریم‌ها و فشارهای خارجی برای محدودسازی کنشگری ایران؛ ۳- وجود ظرفیت‌های بالقوه و بالفعل ایران؛ ۴- وجود تهدیدات آشکار و غیرآشکار دولتی و غیردولتی علیه ایران در منطقه و فرامنطقه (غذیری و حاج‌زرگرباشی، ۲۰۲۳: ۶۱) انقلاب اسلامی ایران نشان داد که قدرت دارای خاستگاه‌های بس ژرف‌تری از قدرت سخت و نرم است این خاستگاه یک جریان سیال، پویا و برآمده از روح جمعی ملت است و به قدرت هوشمند بسیار نزدیک می‌شود از این روی می‌توان عناصری چون فرهنگ و هویت در کنار مؤلفه‌های تاریخی را هم راستا با عناصر سخت‌افزاری از جمله ژئو اکونومی، ژئو استراتژی، توان نظامی، نیروی انسانی و مواردی از این دست را قدرت هوشمند انقلاب اسلامی دانست (خرمشاد و متقی، ۲۰۱۶: ۴۲). اسلام شیعی و عناصر مبتنی بر تقریب وحدت مذاهب اسلامی به‌عنوان دال متعالی معنابخش (گلشن پژوه، ۲۰۰۸: ۱۴). یکی از وجوه قدرت نرم و حضور نرم‌افزارانه جمهوری اسلامی ایران در مناطق راهبردی همچون عراق و سوریه بوده و در کنار آن نیروی نظامی مؤثر و قوی و توان بازدارندگی ایران در منطقه از مؤلفه‌های سخت‌افزاری بوده است که تلفیق هر دو بازنمایی قدرت هوشمند در راهبرد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران می‌باشد. به‌عنوان نمونه تأکید بر توجه همزمان به منابع نرم‌افزاری قدرت از جمله مشترکات دینی و فرهنگی، نفوذ مرجعیت دینی شیعه و شخص آیت‌الله سیستانی، ائتلاف‌ها و احزاب و جریان‌های سیاسی همسو با انقلاب اسلامی، دیپلماسی علمی و مراودات دانشگاهی در کنار روابط نظامی و اخیراً موافقت نامه همکاری امنیتی و مقابله با جریان‌های تکفیری و تروریستی در عراق را از جمله رفتارهای سیاست خارجی ایران بر اساس تلفیق منابع سخت و نرم‌افزاری قدرت که همان قدرت هوشمند است تحلیل نمود. کلید واژه عمق استراتژیک طرح شده توسط رهبری در سال‌های اخیر نیز ناظر به همین رویکرد قدرت هوشمندانه تلقی می‌گردد؛ این اساس عمق راهبردی از مؤلفه‌های قدرت در جمهوری اسلامی ایران است و شامل موضوعات نظامی و دفاعی و دیگر منابع اجتماعی و نرم‌افزارانه در حوزه‌های راهبردی ایران می‌باشد. عمق راهبردی محل تلاقی استفاده حداکثری و توجه به جنبه‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری قدرت می‌باشد. عمق راهبردی نرم که تأکید بر مناطق راهبردی حوزه قدرت نرم و عمق راهبردی سخت که بر اساس سرزمین و توان مادی و نظامی تقسیم می‌شود چنانچه مبتکرانه و در کنار یکدیگر باشند عمق راهبردی هوشمندانه می‌شوند (پورحسن، ۲۰۱۷: ۱۰۰).



نمودار ۲: شبکه مضامین و تم‌های الزامات راهبردی سیاست خارجی ایران در گام دوم انقلاب اسلامی

نتیجه‌گیری

در سال‌های اخیر توجه به تحقیقات کیفی و روش‌های متعددی که در این زمینه توسعه پیدا کرده اهمیت روزافزونی پیدا نموده است. یکی از همین، روش‌ها، تحلیل مضمون است که خصوصاً در علوم سیاسی و علوم اجتماعی می‌تواند کاربرد زیادی داشته باشد. روش تحلیل مضمون از دل متن مضامین مهمی که در آن نهفته است را آشکار نماید این روش از کارآمدترین رویکردها در متن‌پژوهی و سیاست‌پژوهی است که داده‌های متنی را مقوله‌بندی و بازسازی می‌کند. در این روش، مفاهیم در درون مجموعه‌ای از داده‌ها الگو‌بندی می‌شود داده‌ها نیز از متن به‌دست می‌آید. در مقاله حاضر، با بهره‌گیری از روش تحلیل مضمون

تلاش کردیم تا مضامین راهبردی و الزامات سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در گام دوم انقلاب اسلامی را مورد ارزیابی قرار داده و به تعبیر دقیق‌تر فهم و کشف کنیم. سیاست خارجی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین حوزه‌های سیاست‌ورزی است که منافع ملی و فراملی را تأمین می‌کند و نقش مهمی در سرنوشت کشورها دارد. سیاست خارجی نظام انقلابی نیز به‌عنوان یک حوزه مهم در عمل و رفتار دولت‌ها باید بر اساس الگوی مشخص که تأمین‌کننده نیازها باشد اتخاذ گردد. توجه به اندیشه سیاسی مقام معظم رهبری می‌تواند ما را در ساخت الگو و درک الزامات راهبردی سیاست خارجی در محیط پراشوب، پیچیده و در حال گذار نظام بین‌الملل رهنمون کند؛ همچنین فهم متن و به‌دست آوردن تم‌ها و مضامین از اندیشه و کلام رهبران انقلاب اسلامی ایران، می‌تواند نقش مهم در بومی‌سازی علم نیز ایفا نماید. براساس روش آتراید و استرلینگ تحلیل مضمون، حرکتی استقرایی از مضامین پایه‌ای به مضامین سازنده و نهایتاً شکل‌گیری مضمون فراگیر می‌باشد، با بررسی سخنان مقام معظم رهبری در سال‌های اخیر (دیدار با مسئولان وزارت خارجه و سفرا) و همچنین متن بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، چهل مضمون پایه‌ای استخراج نموده که از این مضامین، سه مضمون سازمان‌دهنده یعنی دیپلماسی هنجارمند، بازیگر استراتژیک و نهایتاً قدرت هوشمند الگوبندی شد نهایتاً مشخص شد که مضمون فراگیر سیاست خارجی تمدن‌ساز در این الگو بر ساخته می‌شود. لازم به‌ذکر است که در تحلیل تماتیک، همه مضامین با یکدیگر ارتباط داشته و همچون جزایر پراکنده نمی‌باشند همه چهل مضمون پایه‌ای و مضامین سازمان‌دهنده در هم‌تنیدگی و ارتباط منطقی با همدیگر دارند، به عبارت بهتر از یک منطق درونی پیروی می‌کنند. سیاست خارجی تمدن‌ساز رویکردی است که حاکم بر رفتار سیاست خارجی نظام انقلابی بوده و مبتنی بر فهم تاریخمندی و برهه زمانی مهم فعلی در ساختار بین‌الملل است و نظام انقلابی ایران را برای دستیابی به اهدافی چون تقویت فضای وحدت و تقریب‌گرایی مذاهب، هم‌افزایی فرهنگی در جهان اسلام، تصویرسازی و شبکه‌سازی، پیشرفت‌های متراکم علمی و فناوری یاری می‌رساند، جمهوری اسلامی ایران هم‌زمان لازم است که ارزش‌گرا و هنجارمند و بر اساس ساخت و بافت‌گفتمان اسلام سیاسی فقه‌ای مناسبات بین‌المللی خود را به پیش ببرد، نفی نظام سلطه توجه به ارزش‌های اسلامی از جمله مسائلی است که در این زمینه مهم می‌باشد، در دیپلماسی هنجارمند فقه سیاسی شیعه نقش پویا و سازنده خود را ایفا نموده و بر اساس فرهنگ راهبردی، الزامات سیاست خارجی را طراحی می‌کند. تأمین امنیت هویتی از جمله کارکردهای این نوع دیپلماسی می‌تواند باشد. نظام جمهوری اسلامی ایران هم‌زمان بازیگر عاقل و هدفمند است و ضمن پایبندی به ارزش‌ها و اصول و عدم عدول از آنها با فهم برخی فرصت‌ها و محدودیت‌های ساختاری فعالانه و مبتکرانه و نه منفعلانه رفتارهای سیاست خارجی خود را اجرا می‌کند تلفیق آرمان و واقعیت سوژه -بزه یا ساختار- کارگزار در این زمینه از اهمیت وافری برخوردار است و نهایتاً تأکید بر هر دو جنبه قدرت سخت و نرم در حوزه بین‌الملل افراطی از راهبردهای مهم در طراحی سیاست خارجی در گام دوم انقلاب اسلامی است. با توسعه هوش مصنوعی، توجه به قدرت هوشمند نیز ارزش فراوانی در سال‌های آینده بیش از امروز در ساختار نظام بین‌الملل بازی خواهد کرد. جمهوری

اسلامی ایران نیز ضمن تأکید بر افزایش توان نظامی و دیگر مؤلفه‌های سخت‌افزاری قدرت با تأکید بر جنبه‌های نرم‌افزاری قدرت و مؤلفه‌های قدرت نرم، با کاربرد دیپلماسی عمومی و فرهنگی، گفتگوی با ملت‌ها، را مبنا قرار می‌دهد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در عراق و سوریه و منطقه غرب آسیا نمونه‌ای از توجه به قدرت هوشمند در فرایند سیاست خارجی ایران است که بر اساس تأکیدات مقام معظم رهبری، لازم است با قدرت و تأکید بیشتر مورد توجه دستگاه‌های مسئول و تصمیم‌گیران حوزه سیاست خارجی قرار گرفته و در برنامه هفتم توسعه نیز مبنا قرار گیرد.

References

- Abbas Vaezi Dehnavi, Abbas (2012). “The Basics of Foreign Policy in the Thought of the Supreme Leader”, Contemporary Political Essays, No. 1: 52-71, spring and summer. (In Persian)
- Abd Khodayi, Mojtabi; Nowrozi Firouz, Rasul (2017). “Effect of Civilization on Foreign Policy”, Political Science Quarterly of Baqer Uloom University (AS), No. 81: 54-76, spring. (In Persian)
- Alipour, Mohammad (2015). “Political jurisprudence and international relations with an emphasis on the foreign policy of the Islamic Republic of Iran”, International Congress of Culture and Religious Thought, 43-64. (In Persian)
- Allison, Graham T. (2014). *Decision-making methods in foreign policy, an interpretation of the Cuban Missile Crisis*, Manouchehr Shojaei, Tehran: Scientific and Cultural Publishing Company. (In Persian)
- Arjini, Hossein (2007). “Negation of supremacy in the foreign policy of the Islamic State”, Fiqh and Usul specialized magazine, 195-214. (In Persian)
- Ashraf, Ahmad (2013). *National and ethnic identity in Iran, included in Iran, Identity, Nationality, Ethnicity*, by Hamid Ahmadi, Tehran: Humanities Research and Development Organization Publications. (In Persian)
- Attride-Stirling, J. (2001). *Thematic networks: An analytic tool for qualitative research*.
- Azghandi, Alireza; Moradi Jo, Ali Jan (2016). “The Role of Realist Idealism Discourse in the Foreign Policy of the Islamic Republic of Iran”, Political and International Research Quarterly, Issue 33: 10-35, winter. (In Persian)
- Aziri, Vahid; Haj Zargarbashi, Seyyed Ruhollah (2023). “Intelligent Power and the Promotion of Iran's Regional Position in West Asia”, Science of Political Interpretation, Year 5, Number 15: 52-75, Spring. (In Persian)
- Boyatzis, Richard E. (1998). *Transforming qualitative information*.
- Braun, V. & Clarke, V. (2006). *Using thematic analysis in psychology* Qualitative.
- Carlsnaes, W. (2012). *Actors, Structures and Foreign Policy Analysis*, Oxford University Press.

- Cassell, C., & Bishop, V. (2019). "Qualitative Data Analysis: Exploring Themes, Metaphors and Stories". *European Management Review*, 16(1).
- Dahshiri, Mohammad Reza; Bahrami, Zahra (2020). "Components of Civilizing Foreign Policy Model", *Fundamental Studies of Modern Islamic Civilization* No. 8: 335-364, autumn and winter. (In Persian)
- Dehghani Firouzabadi, Seyyed Jalal (2013). *Discursive evolution in the foreign policy of the Islamic Republic of Iran*, Tehran: Iran Institute Publications, 5-27. (In Persian)
- Esposito, John (2017). *The Iranian Revolution and Its Global Reflection*, Mohsen Moder Shaneh Chi, Tehran: Chapakhsh. (In Persian)
- Firhi, Dawood (2007). *History of State Transformation in Islam*, Qom: Mofid University. (In Persian)
- Gohari Moghadam, Abuzar; Beigi, Alireza (2020). "Analysis of the principles of the foreign policy of the Islamic Republic of Iran in the statement of the second step of the revolution", *Political Science Quarterly*, Volume 17, Number 33: 64-83, Spring and Summer. (In Persian)
- Gulshan Pajoh, Mahmoud Reza (2015). "The role of intelligence organizations in promoting the country's soft power", *Strategic Studies Quarterly*, Year 15, Number 2: 12-36, summer. (In Persian)
- Hudson, V. and C. Vore (1995). *Foreign Policy Analysis*. Rowman & Littlefield Publishers.
- Javadi Arjamand, Mohammad Jafar; Haqgo, Javad; Azimzadeh, Jafar (2012). "Civilizational field of Iran, globalization and the future of the foreign policy of the Islamic Republic of Iran in the region", *Political Sociology of the Islamic World*, No. 1: 41-59, spring and summer. (In Persian)
- Khorramshad, Mohammad Baqer; Motaghi, Afshin (2015). "The Role of the Islamic Revolution in Strengthening the Intelligent Power of the Islamic Republic of Iran", *Soft Power Studies*, No. 15: 35-51, winter. (In Persian)
- Khoshvoqt, Mohammad Hossein (2009). *Analysis of decision-making in foreign policy*, Tehran, Office of Political and International Studies. (In Persian)
- Lak Zaei, Najaf (2010), "Issues of Political Jurisprudence", *Political Science Quarterly*, Year 6, Number 39: 111-134, spring and summer. (In Persian)
- Mohammadreza, dehshiri (2015). "Idealism and realism in foreign policy from Imam Khomeini's point of view", *foreign policy number 2*. (In Persian)
- Molai, Azam; Kafi, Majid (2012). "Revival of Islamic Identity and American Totalitarian Ideology", *Islamic World Political Research Quarterly*, summer, 34-57. (In Persian)
- Motaghi, Ebrahim (2007). *Basij and the production of soft security*, Tehran: Imam Sadiq University and Basij Studies and Research Institute, 58-84. (In Persian)
- Nasr, Seyyed Hossein (2009). "Civilizational Dialogue and the Islamic World," In: Al-Idrus Mohamed Ajmal Bin Abdul Razak (Ed.), *Islam Hadhari: Bridging Tradition and Modernity*, Kuala Lumpur: International Institute of Islamic Thought and Civilization.
- Nossel, Suzanne (2004). *Smart Power, Foreign Affairs*. Oxford University Press.
- Nye, J. S. (2019). *Leadership and Intelligent Power*, Oxford University Press.

- Nye, J.S. and Jr.Armitage, R.L., (2007). *CSIS Commission on Smart Power. A smarter, more secure America* Center for Strategic and International Studies, Washington, Kingdom: AltaMira Press.
- Pahlavan, changiz (1998). *Culture and Civilization*, Tehran: Ney. (In Persian)
- Plano, Jack C. (1998). *The International Relation Dictionary*, California: Longman.
- Qaderi Kangavari, Ruhollah (2019). "Movement Diplomacy and Foreign Policy of the Islamic Republic of Iran, Road Map and Future Issues", *Afaq Security Quarterly*, fall, Number 48: 165-186. (In Persian)
- Sadatinejad, Seyyed Mohammad (2019). "Relationship of just peace with Martyr Soleimani's school and the resistance front", *Political Science Quarterly*, second year, number 5, autumn 2019. (In Persian)
- Shabannia, Qasim (2016). "Lexualization of International Relations Jurisprudence", *Marafet Humanities Journal*, No. 102: 98-115. (In Persian)
- Smith, J., & Firth, J. (2011). "Qualitative data analysis: the framework approach", *Researcher*, 18(2).
- Snyder, Jack L. (1977). *The Soviet Strategic Culture: Implications for Limited Nuclear Operations*, A Project AIR FORCE Report Prepared for the United States Air Force, Santa Monica.
- Sotoudeh, Mohammad (2018). "Requirements of Iran's foreign policy in the statement of the second step", *Political Science Quarterly of Bagheral Uloom University (AS)* No. 87: 89-105, autumn. (In Persian)